#### اریخ الله جنك ایر ان \_ افاغنه

« از جنگهای نادرشاه »

د سال ۱۱۶۱ هجری

تأليف

جميل: قوزانلو

---とではのしーー

طبع اول

طران

171.

# جنك ايران \_ افاغنه در سال ۱۱٤۱ مجری فصل اول

كليات

وضعيت عمومى طرفين

علت جنگ مصالحة اقتدهار موضوع خارجی نداشت زیرا که ؛ رؤسای طوائف خودسر قسمت شرقی ایران و مخصوصاً افاغنه دست از جدال برنداشتند. باضعف آخرین زمامداران سلسله صفوی نگاهداری ممالك تحت الحمایه آیران که از ترکستان غربی الی دریای عمان حدود طبیعی خوبی بودند ، دیگر مقدور نبود (۲) افاغنه نه فقط قسمت

[۱] اوضاع دورة سلطنت نادرشاه افشاررا بطوركلى باين جلة مختصر ميتوان بيان نبود: مجادله برضدكليه هسايكان (هند، افغان، عثبانى، تراكه، بلوچ و تشكيل يك حكومت مقتدرى در آسيا ) نادرشاه درموقم سعود بقدرت طبعاً داراى افكار انقلا بى وفكر تجدد بود. زيرا زمان و مكان و خاصة زندكانى معظم له اين را ايجاد و بالاخره دوره تدنى سلسله صغوى وضعيت سياسى را پيش آ ورد، كه معظم له قبل از هر چيز مرد انقلا ب و رئيس جنك و جدالهاى ملى و نظامى محسوب شد.

[ ۲ ] \_ نادر قسلی افشار در سال ۱۱۳۹ هجسری مجمداً داخل قشون شده و در هبین آ وان پادشاه وقت « شاه طهماسب » وی را بسرداری کل قشون مُمین نبود ومشارالیهبدون اینکه موافق رسم آنوقت اظهارعدم لیافت و قابلیت کرده و استدعا نباید او را معذور بدارند، فوراً این مقام عالی راقبول کرد .

( اقتباس از تاریخ عمومی )

خربی افغانستان را از تحت تسلط حکومت ایران خارج نموده بلکه بداخله مملکت (سیستان ، قائنات خراسان و نواحی مرکزی ) دست درازی مینمودند [۳]

در سال ۱۱۳۸ هـ. تعرضات و یغها گری افاغنه در صفحات شرق فوق العاده ظالمانه بود. هرهائیز ۱۱۳۹ هـ. آخرین قشون صفوی بتأدیب غارتگر ان اعزام شد ولی صاحبمنسیان مصالحه را بسلامت نزدیکتر دیده قرار دادند یکربع مالیات به آنها داده شود و مراجعت نمودند.

لها وجوداین قرار داد انوی افاغنّه دست از غارت آن صفحات برنداشتند بلکه مصمم شدند که به نواحی شمالی اصفهان رفته پایتخت موقتی ایران راضبط و درقسمت شمال نیز مقر فرمانفر مائی شمال شرق ارا غارت و خراب نمایند .

در اینموقع وضعیت سر حدات مغرب و شمال و جنوب نیز مغشوش بـود. صلح با دولت. عثمانی موضوع خارجی نداشت زیراکه ترکها ناحیه غربی را تخلیه نکرده بودند.

خلاصه؛ امور مملکت روز بروز رو به اختلال و اغتشاش گذاشت. شاه طههاسب در مقابل این وضعیت مشکل ناچار مصمم شد نادر قلی را که از صاحبمنصبان قدیم و مرد پر تجربه وشجاع بود بخواهد، شاید حضور او رونق نازهٔ به امور قشون بدهد [ ٤ ] بنا بر این احکام برای احضار ایشان صادر شد. نادرقلی افشار به امتثال امر ملوکانه به پایتخت آمده الدی الورود مورد عواطف پاهشاه کردید و اختیاراتی با لا تر از وزارت بدو تفویض شد.

نادر بنا بر اعتبادی که به اوشده بود مصمم کردید به اصلاح وتنسیق امور قشون بیردازد. قشونی که نادر قلی تشکیل وتنسیق نمود بیش از بانزده نا بیست هزار نفر نمیشدو این قوا برای مقابله با عثبانیها و افاغنه کافی نبود ولی جنگهای اطریش — عثبانی ونیز جنگهای روس و عثبانی وهچنین اختلال دا محلی امیر اطوری عثبانی نااندازه ای وضعیت صحنه جات جنگی فرب وشهال

 <sup>[7] —</sup> این وقایم درسال ۱۷۲۹ میلادی مطابق سنه ۱۹۳۹ هجری یمنی یکسال بعد از آنکه « شاه طعماس » ادر شان را بخشید و داخل شدمت کرد اتفاق افتساد .

<sup>&</sup>lt; از کاریخ فادر شاه افتباس شد »

و هو سال ۱۹۶۱ ه ازقشون اغراج شده بود. ( مناسله سلطان حسین در سر حد شهال شرقی صاحب منصب بوده و هو سال ۱۹۶۱ ه ازقشون اغراج شده بود. ( ۱۳۵۰ مناسله مناسله مناسله مناسله مناسله مناسله مناسله مناسله مناسله مناسله

غربی ایران را بهتر نموده کلیهٔ قوای مهاجم ترك درخط [ تبریز \_ بیجار \_ همدان \_ کرمانشاه \_ مندلی ] بیش از ده همزار نفر نبود . بالخاصه قوای عمده آنها که درسال ۱۱۶۰ در شالسواحل در باچه ارومیه بود و از راه [ بایزید \_ طرابزون ] به قطعه اروپا یعنی به جبهه ( دانوب )انتقال بافته و بدین منوال قوای جبهه شرق عثمانی ضعیف و مجال اختیار تعرض را نداشته و فرصت مناسی به دست ارودی جوان سرتیپ نادرقلی میداد . قوای دولت عثمانی قبل از ورودسرتیپ نادرقلی به خدمت قشون و همواره به قوای ایران غالب میآ مدند و از سمت مشرق افاغنه نیز بعملیات ترکها معاونت میمنودند .

از سال ۱۹۳۹ هجری به این طرف بعضی از رؤسای ملی افغان بخیال اینکه یك دولت مستقلی تشکیل دهند در صدد تصرف ولایات شرقی ایران بر آ مدند، اتفاقیاً وضعیت داخلی ایران نیز برای پیشرفت عقاید آنها مساعد بود لهذا رؤسای ملی افغانستان با اینکه در میان خود اتفاق و انحاد محکمی نداشتندگاهی درخط سیستان وگاهی درسمت خراسان و مرو باخت و بازهائی مینمو اند. رفته رفته این اغتشاشات روز بروز و سیعتر شده بالاخره یاغیان شهر (هرات) را کرفته در تهیه بودند که با قوای زیادی داخل اصل خاك ایران شده مقر ایالت خراسان (مشهد) را محاصره نموده و افاغنه جنوب نیز که (قند هار) را در دست داشتند بطرف مرکز ایران باخت و باز نمایند. این خبر در مملکت ایران چندان مهم بنظر نمیآ مد، زیرا که دیکر قشون ادر به بیست و پنچهزار نفر رسیده و بتدریج به مشهد رهسپار میشدند.

## نقشه جنگی طرفین قوای منقابل ـ نقشه عملیات

قواي عمده افاغنه عبارت بود ازدو دسته قوی ۲۰۰۰۰ نفر قوای اشرف در جنوب: از بلوجستان دسته بار محمدخان از کرمان دسته سیدال از قائنات دستهٔ ابن ویس- قوای اشرف دارای توپخانه سبكبوده است. وقوای دوم عبارت از ۲۰۰۰۰ نفر قوای ابدالیها در شمال. دسته اول در هرات و دسته دوم در کره بان در تحت ریاست الهیار خان بعلاوه یك دسته مرکب از افاغنهٔ غربی که باید در شهر قندهار مجتمع شوند

تقشهٔ افاغته عبارت بوصاف ملئه تموض جدي بطوف قسمتهاي مركزى ايران در حاليكه قواي شمال يعني ( ا بداليها ) ناورود دستجات غربي افغانستان به شهرهرات ، درآن منطقه وضعيات تدافعي خواهد داشت .

#### \* \* \*

نادر قلى بفوريت تصميم خود راكرفت و آن عبارت بود از منهدم كرهن قواي شمالي افاغنه قبل از رسيدن قواي اشرف به صحنه جنك اصلى وانتخاب منطقهٔ شمال شرقي ايران براي صحنه اصلى عمليات و دلايل عمدهٔ اين نصميم سوق الجيشي نيز بايستي تقريباً بقرار ذيل بوده باشد:

اولاً – قواي ابداليها زود تر از دستجات اشرف افغاني ممكن بود داخل اصل خــاك دولت ابران شوند.

ثانیاً — اصولاً یك عده از قواي اشرف و ناچار یك قسمت از افاغنهٔ غربی که در قند هار - - - - - - - - بیاشند بایستی به استعداد ابدالیها ملحق ً ردند .

ثالثاً \_ نمركز و پیشرفت قوای اصلی اشرف بطرف صحرای لوط و كویر نمك مشكل بود.

رابعاً \_ سوق و تمركز دادن قوای ایران درمشهد و ربت جام با كال سرعت قابل اجرا بود

در قسمت مغرب مملكت كه تقریباً صحنه جنك دومی محسوب میشد 'كلیه قوای این منطقه

در تحت ریاست محمدعلیخان ایب السلطنه و و الی عراق قر ارداشتند . سواران محلی یعنی بختیاری ها در

(ملایر) و دستجات شاهسون هم در خط (قزوین) بطور ساخلو در مقابل قوای مركزی

عثمانیها كه در خط (سنندج) و (همدان) بوده اند استقرار داده شد .

برای بکار انداختن قوای خود نادر قلی تشکیلات جدیدی را که در ۱۱،۰۰۰ شروع کرده بود بکار برد واین تشکیلات عبارت بود از تقسیم قوا به افواج [ در حدود سه هزار نفر ] و دستجات مستقل وعده های مجاهد داوطلب. بدین ترتیب قوای اولیه نادر شامل پنج فوج پیاده و یکفوج کارد سلطنتی و دستجات سوار نظام و تو یجی ها بود که مجموعاً بیست و پنج هزار نفر مسدند.

عنداللزوم ازجبهه عثمانی نیزکه درآ نجا جنك بحال متارکه بود (۰) ممکن بود قوای ساخلوی. قزوین و ملایر را بمنطقه شمال شرقی احضارنمود.

بموجب فرمانی که ازطرف شاه طههاسب صادر شدهبود امور قشونومالی کاملاً به سرتیپ ادرقلی تغویض کردیده واحدی حق نداشت راجع بآ نچه که مربوط به تشکیل و تنسیق واعزام قشون بود مداخله نماید.

کارخانجات خمسه ومشهداتصالاً برای قشون جوان اسلحه ، وقور خانه قزوین نیز در تهیه توپ و مواد محترقه سعی مینمودند. کلیه تفنگها چخاقی و سر پر و توپها نیز سرپر و مسوبر نج بودند. و نیز استادان اسلحه جارحه در کلیه بلاد ایران مشغول ساختن شمشیر و نیز و بودند.

#### فصل **نوم** (٦) محاربه کریاں کنرند،

محاصره حرات

۱۱۶۱ هر گز قو ادر گنار ر و دخانه تجن: دراو ایل بهارسال ۱۱۶۱ ه. قرار ک مکل قوای ایران به شهر (مشهد) رسیده بود. اولین احکام نادرقلی مبنی براین بود که ؛

(ه) مقارن هبین اوقات نمایندهٔ عثمانیها نزد شاه طهماسب آمده تکلیف کرد که اگر نقاطی را که متصرف میباشند به آنها و اکنار شود مصالحه کنند و ایر انرا بحال خود بکذارند و ممالك شرقی خود را از افغان پس بگیرد. شاه طهماسب جو آب داد که در اینباب تصیم لازم اتخاذخواهد شد و عجالتاً متارکه باشد ناجو آب بعضی اظهارات دولت ایران از جانب سلطان عثمانی برسد.

طرفین متارکه جنك را قبول کرده و قرارداد موقتی منعقد ساختند و برای عقد صلح سغیر و ایلیجی مخصوص از طرف دولت ایران به اسلامبول اعزام کردیدوضنا بسفیر مربور شاهطههاسبدستور داد که بعفرانحوشی بطوری که اسباب سوء ظن عنهانیها نباشد درراه معطل شود و ورود به اسلامبول را بتأخیر بیندازد. مقصود شاه طهماسب و صرتیب نادرقلی دفع الوقت بود و میخواستند قرصتی یافته بمنطقه خراسان قوا بغرستند.

- انتباس از کتاب تاریخ نادرشاه و از ناریخ خصوصی عنمانی -

(٦) مأخذ تاریخی این فصل از کتابهای ذیل افتباس گردید.

١ ـ تاريخ نادرشاه تاليف ج ـ قوز انلو

۲ - چهارده سال در ایران تالیف ج ـ قوزانلو:

۴ ـ جهانگشای نادری ـ و رومنة الصفا

٤ ـ اربخ افغانستان ـ و تركستان

آدیخ هند \_ و بلوچها

آدربخ عشمانی، و سفر نامه طویال عشمان باشا تالیف ج ـ قوزانلو

۷ ـ از گنفرانسهای احمد مختار پاشا راجع بخطوط سوق البیشی آسیا

۸ ـ جنرافبای نظامی ایران تألیف ، ج ـ فوزانلو

قسمت بزرك قوای عمده بمنطقه « تمجن » رهسپار كردند . دستجات سوار نظام در سمت شرقی رودخانه تمجن بمنظور پوشش و حفاظت قوا و عملیات نمركزی حركت لمایند.

احکام دومی بادر بطور تفصیل راجع به تهیه آ ذوقه و قورخانه بود .

روز یازدهم برج حمل کلیه دستجات سوارنظام اردو بطرف حوضهرود تمجن روانهشدند ولی قوای اصلی در حدود • تربت جام ، متوقف کردید .

پس از آنکه اطلاعات راجع به قوای شهلی افاغنه تکمیل شد یعنی نادر قلی هانست که حرکت افاغنه غربی تأخیر افتاده و نااواسط نابستان به شهر « هرات » نخواهند رسید، و بالعکس ( ابدالیها ) از هرات بطرف مغرب حرکت نموده اند ، علیهذا تصمیم قطعی خودرا چنین گرفت که قبل از رسیدن قوا از غرب بقلعه هرات بروی ابدالیها در حوضه نجن تعرض نموده یا در آنجا مضمحلشان کرده و یا بطرف قلعه هرات عقب راند.

مو قعیت قو ای شمالی افاغنی: ابدالیها در برج حمل پس ازآ نکه قلعه سمت مرات را مستحکم ساختند به سمت مشهد حرکت نمودند و در اواسط حمل درساحل جنوبی رودخانه نجن بطرف مغرب درحرکت بودند

موقعیت قوای جنوبی افاغنه: قوای اشرف از هوای مساعد زمستان موقعیت قوای مساعد زمستان بیرت استفاده نموده سعی میکرد از بیرت محرای لوط و کویر نمك که محل عبور قوافل کرمان و سیستان بود عبور نمود، قسمت شرقی نواحی ایران را ضبط و قبل از رسیدن کرمای فصل تابستان بطرف بایتخت ایران تعرض نماید.

موقعیت قوای جنوبی ایران : یك فوج پیاده و ده دسته سواری که \_\_\_\_\_در خط قم \_ اصفهان بودند حکم داشتند از اهالی عل و مجاهدین آن نواحی قوائی ترتیب داده درعراق استقرار یابند.

موقعیت قوای غربی ایر ان : برطبق متارکه نامه (آوه) قوای غربی ایر ان : برطبق متارکه نامه (آوه) متوقف بودند موقعیت قوای شمال شرقی ایر آن، برطبق تصبیم قطمی نادر قلی (در خط تجرن و ربت جام مهدای حرکت بودند. و بك عده مختصر هم به ساخلوی مشهد معین شد.

#### ۲\_ حرکت از تربت جام تاکریان: دوازدهم برج تور ۱۱٤۱ه ۲\_

نادرقلی و اردقریه • ذو الفقار • ند. و شبانه دستورداد که فرداکلیه قوا ( بااستفاده از جاده های طرفین رودخانه نجن ) بطرف • هرات » پیشروی کنند • ضمناً امر صریح داده شد که کلیه سوار نظام همیشه سه فرسنگ جلو تر از پیاده نظام حرکت نموده اکتشاف در جلوی ستونهار اعهد دار و ارتباط محکمی بین پیاده گان و سوار ها بر قرار باشد .

عده های سوار نظام در موقع شب دسته به دسته ارد و زده ، درطول راه منزل نمایند. ولی بشرط اینکه محل اردو همیشه بطرف دشمن واقع باشد. آذوقه سوار نظام مقداری از محل تمهیه بقیه ازمو جودی بنه اول مصرف شود و نقلیه سوار نظام نیز باید بانداز همفت روز بان همراه داشته علیق دواب را هم روز بروز تقسیم نمایند

روز ۲ ؛ ثور قوا به قریه « هوین ، رسیده وهمانجا اردوزد

در این موقع چون نادرقلی د آست که وضعیت افاغنه مشکوك و هنوز در محیط هرات مانده و حرکت نکرده اند ، لهذا سه روز بقشون راحت باش د ده وحاجی خان مین باشی را مأمور کرد که به معیت دستجات سوارنظام اردوگاه قوارا از سمت مشرق پوشش و حفاظت ماید (۷).

توقف در « هوبن ، بك هفته طول كشيد. دراينمدت اخبار موحشى بقراركاه كلميرسيد كهافكار نادرفلى وشاه طههاسب را پريشان مينمود. ولى اين اخبار كليتاً جزو مسموعات وازافواه اهالى محل شنيده شدهبود ، ليكن اخبار جبهه جنوب ازآ نطرف نسبت به منطقه خراسان اسباب خطر بود ولى چون كار ازكار گذشته بود لهذا نادر از مام جبهات دور از جبهه خود دست كشيده وقطعاً اميدوار بودكه اگر در جبهه نجن وهرات بدشمن خود هرچه زودتر فائق آيد بطور حتم اشرف را موضعاً مرخط اسفهان و تم شكت خواهد داد و كذشته از اين روحيه قواى ملى الفائل را جو منحات شرق متزلزل و پريشان نموده بدين وسيله به آرزوي فانجانه خود مائل خواهد آيد المداري ميزلزل و پريشان نموده بدين وسيله به آرزوي فانجانه خود مائل خواهد آيد المداريد

پهلودار های سیار (۸) ترتیب داده و منتظر اخبار جاسوسان مخصوص خود بودند .

روز ۲۲ ثور از جبهه جنوب راجع به تعرضات وقتل وغارت قوای اشرف اخبار مفصلی رسید ولی برای جلوگیری ازاین عمل چارهٔ در دست نبود ، لهــذا مجبوراً وضعیت جبهه جنوب را بطبیعت واکــذار نموده کلیه قوا و اقدامات خود را بجبههٔ شمال مصروف نمود .

روز ۲۳ ثور قوای سوار نظام جلودار [عده حاجی خان مین باشی] که ازاردوسه فرسنگ جلو تر بود با سواران ا بدالیها تهاس حاصل و شروع بزد و خورد نمود. موقع ظهر را پرت از طرف مین باشی بقرارگ مکل واصل کردید که تقریباً در این زمینه بود:

- « منطقهٔ ماکلیتاً ازسکنه خالی و آبادیها دچارحریق شده اند؛ امروزصبح زود سوارهای » « دیدبان ما ( ۹ ) به زنجیر سوارهٔ افاغنه برخورده شروع به زد وخورد مینهایند. چون صدای » « تیر و تفنك بقرارگ هسوار رسید ، بفوریت سوار های دیدبان را تقویت و در تعقیب آنها » « نیز کلیه سواران بحرکت در آمدند. »

راپرت رئیس دستجات سوار در قرارگ مکل اثرات مهمی بخشید، نادر تصور نمیکرد که آبدالیها به این اندازه دارای استعداد باشند، گذشته از این حرکت آنها از قلعه مهم هرات بطرف مغرب نیز اسباب خیال نادر کردید، زیرا آبدالیها بدون تحکیم و آذوقه و ساخلوی مخصوص قلعه را تنها نخواهند گذاشت . بنابراین تصور نمود که یاقوای نازه ای برای محافظت قلعه از سمت مغرب رسیده است و یا استعداد اولیه آبدالیها آنقدر قویست که توانسته اند از خود، یك قسمت در قلعه هرات بگذارند . .

درهرحال اخبار فوق هم ناقص وهم اسباب خیال بود ، ولی چون بادشمن شروع به اتخاذ تماس شده بود هذا دیگر ممکن نبود که قوا را معطل نموده و یاعقب کشید ، بنا بر این بادرقلی بدون فوت

<sup>[</sup> ۸ ] پهلو دار : عناصر ثابت یا متحرکی است که پهلوی عده های اصلی را حفظ مینماید.

<sup>[</sup> ۹ ] سوار دیدبان : سوار تك یا جفتی است که برای مراقبت زمین و دادن خبر در یك محل معبنی استقرار یافته باشند .

وقت حکم اکید به فرماندهٔ دستجات سوار نظام صادرنمود که بفوریت قسمتهای خود را جمع آوری نموده بطرف اردوگاه کافرقلعه خصم تعرض نهاید و نیز حکم دیگری برای استعداد کل داد که بسرعت از خط هرات به طرف قریه «کریان» تعرض نهایند.

سر ح فوای شمالی افاغنه که در تحت امرسر دار الله بار خان در حدود ، کافرقلعه ، وضعیت جنگی بخود کرفته

بود بطور نخمین پانزده هزار نفر میشد. همین که قوای مقدم ایران در حدود اردوگ. افاغنه نهایان شد، قوای الله یار خاری تپه های غربی کافـر قلعه را جان پناه خـود ساخته بسد راه «هرات »برداختند.

در حالتیکهقوای حاجیبیك مین باشیپیش قراول خصم رابه عقب راند ، دستجات ایل خانی افشار پل « کوسویه » را پس ازمصادمهٔ درخشانی متصرف شدند .

با وجودیکه وضعیت و موقعیت قوای سردار الله یار خان در حدود (کافر قلعه) روشن گردیده بود، ولی چون کلیه قوا به میدان تصوری نبرد نرسیده بودند، نادرقلی مجبوربود که در نزدیکی جبههٔ الله یار خان خط تدافعی احداث نهاید.

در عرض دو ساعث قوای ایران در دو هزار قدمی قوای افاغنه جبههٔ بطول سه هزار قدم تشکیل و منتظر تعرض آنها کردیدند (۱۰) موقع ظهر محاربه با تعرض افاغنه شروع شد، یك صف پیاده بدون تیر اندازی بجناح راست جبهه ایرانیان با شمشیر هجوم آورشد، دراین بین فوج دیگری از افغان دست به شمشیر بجانب پیادگان هجوم آورده و هردو درقسمت جناح راست باجسارت بام داخل صفوف پیاده شدند، پیاده های آن جناح قدری عقب نشستند. دراین حال تو پخانه ایرانیان با شدت تهم صفوف حمله افاغنه را مورد شلیك قرار داده اتصالاً تیر اندازی میكرد ولی طرفین طوری بهم دیگر نز دیك شده بودند که از آتش تو پخانه هم دو طرف متأثر میشد.

۱۰۰ » میرزامهدیخان منشی مؤلف کتاب اریخ جهانگشای بادری تفصیل محاربه کافر قلعه را این طور مینویسد:
 « توبخانه و تفنکچیان پیاده را حصار لشکر و محبط عسکر ساخته جمی از سواران نیزه کذار و یکه آزان عرصه »
 «کیرو دار را در برابر فول همایون بعنوان طرح تعیین و بقانون سیاهی کری هنگامه آرای معرکه کین شدند اول آفاغنه »
 «یجانب میمنه حمله و رگشتند پیاده کان بطرح بلوك میمنه در آمده جنك در پیوست .....»

درجناحراست قریب پانز ده دقیقه جنگ خونینی بعمل آمد و نز دیك بود به شكست ایر انیان منتهی شود كه در این بین بادرقلی با عدهٔ سوار [قریب هزار نفر] داخل میدان مقاتله كشت . (۱۱) پس از نیم ساءت جنك و حملات شدید افاغنه در هم شكسته كلیه افراد جبهه افاغنه بتدریج عقب رفتند ۴

ولی محاربه مانیر و تفنك و تو پخانه تا غروب به طول انجامید و در این نبرد نادر قلی زخمدار شد . چون شب در رسید ، قوای ایران در خط جبهه مانده و افاغنه نیز در حوالی «کافر قلعه » کرد آمدند و آن شب بدون حادثه گذشت و افاغنه پس از گذاشتند قوای مختصری درکافر قلعه ، بطرف «کوسویه » و « هریرود » عقب میروند ولی این حرکت آنهارا ایرانیان ملتفت نمیشوند .

شببیست چهارم نورازهر حیث بایر انیان سخت گذشت · چه اولاً برای اینکه محل اردواز آب دور بود (۱۲) ثانیاً چون اردو پس ازطی بیست فرسنك راه وگذاشتن بنه درعقب بخط جبهه رسیده بودند لهذا از حیث آذوقه نیز در فشار ماندند . ثالثاً عده مجرحین و مقتولین طوری زیاد بود که تا صبح به نقل آنها اشتغال داشتند .

روز ۲۶ ثور ٔ صبح زود سوار نظاما بران بطرف کافر قلعه شروع بتعرض نمود و بدون مقاومت آنجا را بتصرف در آورد و فوراً در تعقیب عقبدار افاغنهٔ حرکت نموده 'اطلاعات ذیل را به قرارکل فرستاد:

« میدان محاربهٔ دیروز بکلی از دشمن خالی میباشد ، از قرار یکه مجروحین در ماندهٔ خصم اظهار مینهایند ، افاغنه در نصف شب جبهه خود را تخلیه نموده بطرف ( هري رود ) عقب میروند . »

پس ازوصول راپرت سیمی فرمانده سوار ' اردو از تپه های غربی کافر قلعه بطرف مشرق بحرکت درآمد وموقع ظهر بحوضه رودخانه کوسویه که یکی از شعبات هری رود میباشد رسیده و درمقابل اردوی افاغنه فرود آمد و آنروز ازطرفین به محاربه اقدام نشد .

<sup>[</sup>۱۱] تعرض تقابلی ایرانیان را میرزا مهدیخان اینطور مینویسد:

<sup>«</sup> با شمشیر تیز بعرصهٔ ستیز تکاور انگیز گشته یکنفر از پیش کازان آنفرقهرا بخاك هلاكتانداختند و به آب تینمجان » «سوز آتش جرأت خصم باد پیها را ساكن ساختند. اگر چه از روی تحمل و شكیب بنهیب مهیب افواج پیاده را » « بمیدان رانده وسواران افغان را از پیش برداشتند

**جهانگشای نادری صفحه ۷۰ سطر ۱۹** 

<sup>[</sup> ۱۲ ] به اعتبار اینکه آنمکان از آب دور بود آنشب جیوش بحر خروش ازبی آبی اندك بی تابی کردندبحفر چاه آبی بر آتش عطش افتاندند . . . :

طرفین از وضعیتهای حقیقی خود کاملاً مطلع نبودند ، فرمانده قوای شمالی افاغنه سردار الله یارخان قطعاً منتظر قوای امدادیه بود ، زیرا دوروز قبل از محاربه «کافر قلعه » به وی اطلاع داده بودند که قوای عبدالغنی و ذوالفقار خان از « فراه » راه افتاده همین روزها به حوضه « هری رود ، خواهند رسید ، و بنا بر این مشار الیه منتظر ورود آنها بوده به مین جهة چندان به محاربه جدی اقدام نمیکرد .

از طرف ایرانیان نیز راجع به قوای (فراه) اطلاعاتی جزئی دردست موجود بود بنا براین نادرقلی خودرا ازطرف راست در خطر دیده از حوضه (کوسویه) جلوتر نمیرفت و برای سد راه قوای عبدالغنی و ذو الفقار خان معظم له دربین راه (فراه \_ کوسویه) سد سوق الجیشی تشکیل داد که مرکز آن درروی جاده مذکور توسط سوار نظام حاجی بیك مین باشی محافظت میشد.

موقع ظهر وضعیت افاغنه بوسیله اکتشافات و جاسوسان و اسرا حتی المقدور معلوم شد.

با وجودیکه وضعیت افاغنه روشن گردیده بود ولی فرمانده قوای ایران در صدد بر آمد که خودرا از جانب قوای عبدالغنی و ذوالفقار خان که مشغول پیش آمدن بودند ، محفوظ دارد و بدین مقصود کلیه سواران اردو بطرف جنوب شرقی حرکت و دستجات جدید نیز برای تقویت سپاه سوار بطرف فراه اعزام گردید.

روز ۲۵ نور ۲۵ نور ۱۱۶۱: صبح زود قبل از طلوع آ فتاب کلیهٔ تو پخانه افاغنه اردوک ایرانیان را مورد شلیك قرار داده ( ۱۵) از هر طرف مرتباً تیر اندازی مینهایند . چون افاغنه قبلاً از مسافت و وضعیت اردوک و خط مقدم جبههٔ ایرانیان مطلع بودند لهذا بمباردمان اولیهٔ آنهاخسارت کلیوارد آورد و لی تو پجیهای قدیم نادر که از دورهٔ در خشان نظام سلسله صفویه بیاد کار مانده بودند و فوراً تغییر موضع داده شروع به تیراندازی برضه آتشبار مینهایند . اما نظر عمده نادر بیشتر به قوای عبدالغنی و ذوالفقار خان است زیرا برای معظم له فقط اینقدر معلوم بود که از جناح راست صحنه جنك یعنی از سمت شهر فراه یك ستون افاغنه باین طرف متوجه میباشد . ولی به یچوجه مین نبود آیا دارای چه استعداد و چه صنوفی هستند ؟ بنابر این وقتیکه محاربه دوم امروز صبح زود شروع کر دید نادر حالت تدافعی انخاذ نموده و چون از حیث تو پخانه برقوای سردار الله یار خان تفوق

<sup>(</sup> ۱۰ ) ـ در موقع مطالعه اصول تعبیته الجیشی در قرون اخری تألیف این جانب و یا سایر مؤالفین را در مد نظر داشته باشید .تابتواند وضعیت را بهتر مجسم سازید .

داشت لهذا مطمئن بود که کلیه قوای مهاجم را در خط «کوسویه » متوقف میسازد. طرفین مدتی با توپخانه مشغول محاربه بودند [۲] در اینموقع قوای نادر مقابل آبدالیهابهترین وضعیات را حائز بود و نادر پس از آنکه راه «فراه» را بوسیله دستجات سوار نظام بطور محکم تأمین نمود ، حکم حمله را بوسیله شیپور اعلام داشت. روح تهاجم لشگریان نا در قلی بقدری قوی بود که با وجود تلفات سنگین محاربه «کافر قلعه » مجدداً با کال تهور بسمت جبهه اصلی آبدالیها شروع بتهاجم نمودند.

هجوم از هر دو جناح اجرا و نوبخانه نیز کلیه قوا را حمایت میکرد یعنی افواج جناحین دو قسمت شده ، فوجی از محسر رود خانه «کوسویه » و جمعی از جانب میمنه هجوم آور شده بدستور فر ماندهٔ کل پیش میرفتند . در اینموقع نادر قلی خود رابمیدان مقائله زده صفوف حلهرا تشویق نموده دشمن را درکلیه جبهه قدم بقدم عقب میراند ، ناهنگام ظهر نائره جنك اشتعال داشت بعد از ظهر شکست فاحشی به ابدالیها راه یافته جمع کثیری از آنها کشته شدند و بقیة السیف ترك میدان نبرد نموده روبه هیزیمت گذاشتند . أبدالیها بلادرنك یکسربطرف دروازهٔ شهر «هرات» فرار کردند .

پس از رجعت سریع افاغنه ، قوای عمدهٔ ایرانیان در تعقیب خصم حرکت کردند [۱۷] ولی چون قسمت اصلی سوار نظام نادر خارج از صحنه نبرد بودند، یعنی در راه « فسراه » مأموریت داشتند و دوروز بود که خبری از آنهانمیرسید لهذا عملیات تعاقبی آنطوریکه میبایست صورت بگیرد مجرا نگردید و باین دلیل ابدالیها پس از یك شب فرار که یك قسمت از آنها نیز به دروازه های شهر هراث رسیده بودند ، درنتیجه کوشش و اقدام عاجل و فدا کاریهای بی حد و حساب سردار الهیار خان ، یك قسمت از قوا مجداً ما بین شهر (هرات) و قریهٔ (رباط بریان) که در دو فرسنگی شهر است مجتمع و در مغرب آن قریه جبهه موقتی تشکیل دادند.

<sup>[</sup>۱٦] جهانکشای نادری بساردمان روز ۲۰ ثور را این طور مینویسد:

<sup>«</sup> صبحگاهان چون توپ اژدردهان افق گـلوله آ تشبار مهر از دمن در انداخت و عرصه جهان را از سیاهی سیاه » « ظلمت پرداخت ، معلوم شدکه افاغنه شب تو پخانه خودر ابعحاذی اردوی نصرت قرین آ ورده مهیای جنك کشته اند....

جهانگشای نادری صفحه **۸**۰ اسطر ۳

الا] ـ « از منـزل «رباط» چـرخهشاه طهماسب را با آغروق و توپهای بزرك بقریه «شاهده» روان کردند .......»

روز ۲۶ ثور: الهيار خان صبح زود برای تسليم و متارکه جنك نهايندهٔ مخصوصی نزدادر قلي اعزام داشته در خواست امان کرد. ولی بعد از لمحهٔ از اه تزوير بر آ مده خواست که خدعهٔ جنگی بخرج بدهد: یعنی در حینی که نهایندگان طرفین مشغول گفتگر بودند، از پشت لشکر نصرت ایرانیان بی خبر وغذلتاً هجوم کردند ووضعیت محاربه بجائی انجامید که کار از تیرو و تفنک گذشته، به جنگ تن به تن ودست به یقه رسید و از ابتدای طلوع آ فتاب ا دو ساعت بظهر مانده مقاتله بطول انجامید، در آن موقع علائم عقب نشینی در طول جبههٔ مقعر افاغنه نهایان شد و نادر قلی که همیشه مواظب و متوجه کلیه میدان نبرد بود، از وضعیت خصم آگاه و امی داد شیپور چیان علامت شادمانی و ظفر را به نوازند . افراد نظامیان که غرق خوت شده بودند منتظر چنین علائمی بودند . لهذا به شنیدن صدای شیپور به جنبش آ مده هورا کشان از جا کنده با تهام مردانگی و حمیت مانند سیل بطرف جبههٔ خصم ر بختند .

این حملهٔ اخیر که باشوق وظفر تو آم بود با کال شدت شروع و در نتیجه قوای خسته ، مغلوب و پریشان و غریق خون افاغنه را بکلی از جابر کنده جبههٔ ثابت آنها را فوراً به جبههٔ سیار تبدیل و طولی نکشید که شکل جبههٔ آنها مختل و پریشان شده رجعت و هزیمت کلی در گرفت . هم چند که موقعیت اقتضای تعاقب میکرد لیکن مراعات رویهٔ سوق الجیشی مانع آ مده احدی رخصت نیافت که قدم پیشتر نهد . لهذا در همان رزمگاه متوقف کشته منتظر امر ثانوی شدند . . چرا . . ؟

بدلیل اینکه درجناح راست میدان محاربه کلیه سوار نظام ایران با قوای امدادی افاغنه یعنی با عدهٔ سردار عبدالغنی و ذوالفقار خان داخل نبرد شده صدای تیر و تفنك و شلیك توپخانه بگوشهامیرسید.

بالاخره نادر قلی آخرین سوار های خود را بدان سمت روانه داشته موقع غروب خبر عقب نشینی قوای عبدالعنی و ذوالفقار خان را تحصیل نموده ولی همینکه آشوب جدال درهردو صحنه جنك بنفع ایرانیار فرو نشست ، باد شدیدی بر خواست بحدیکه ترام منطقه جنگی را بظامت انداخت و دو شبانه روز طرفین از کثرت گرد و خالئه چشم از جدال پوشیده در همان مکان توقف کردند.

روز ۲۸ ثور: بعدازدوروز کهطوفان تسکین پذیرفت یاز از جانب فرماندهٔ قــوای افاغنه

(الهيار خان) نايندهٔ مخصوصى به قراركاه ايرانيان آمده طريق مصالحت را پيش انداخت. هر چند نادر قلى از مقصود خدعهٔ جنكى افاغنه اطلاع داشت باز براى پيشر فت عمليات سوق الجيشى در جناح راست با داشتن احتياط لازمه پيشنهاد آنهارا پذيرفت. در «هرى چشمه» نايندگان افاغنه [خود الهيار خان وعبدالغنى عليكو زانى وچند نفر ازمعتبرين] آمده وعهد اطاعت بستند و بادرنيز مسئول آنجهاعت را تااندازهٔ قبول نمود ولى مذاكرات بانيمه شبطول كشيد و بطور قطع خانمه پيدا نكرد و قواى طرفين در سه هزار قدمي شهر هرات در جبهات خود شان متوقف بودند.

روز ۲۹ ثور: باوجوداینکه نادرقلی شرائطافاغنه را کاملاً پذیرفته بودمعهذاحاضربرای تسلیم اسلحه و تو پخانه خود نشدند، زیرا سردار الله بار خان در نیمه شب بیست و نهم خبری از ذوالفقار خان حاکم و فراه و در یافت نمود و مشعر بر این بود که: « فردا با جمعیتی بسیار قبل از طلوع آفتان خود را به دروازه جنوبی هرات خواهد رسانید سردار الله یار خان به اطمینان قوای کمکی از معاهد و پیان بیست و هشتم ثور پشیان گشته و مجدداً آماده جنگ میشود.

ولی نادر قلی چون از کلیه خیالات آنهامسبوق بود قبل از اینکه آبدالیهادر جبهه شروع به محاربه نهایند مجدداً کلیه سوار نظام را با چهار عراده توپ از راه جنوبی هرات بطرف «فراه» اعزام و دستور داد راه مزبور را بطور محکم مسدود نموده نگذارند احدی از آنطرف به قوای سردار الله یار خان برسد. امروز در طول جبهه سکونت حکمفرما بود ولی بعد از غروب آفتاب در راه «فراه» صدای تیر و تفنك بلند شد. یا وجود اینکه راه «فراه» بطور محکم گرفته شده بود ، باز دوالفقار خان در ظلمت شب بی راهه یا جمعی از پشت محل «شکیبان» گذشته به قوای سردار الله یار خان ملحق میشود.

روز ۳۰ نور: در نزدیکی صبح شبیخون افاءنه شروع شد. نادر چوت این وضعیت را قبلاً پیش بینی کرده بود لهذا اولین حملهٔ افاغته که باکارد و تبر صورت میگرفت از طرف ایرانیان با شمشیر دفع شد . همین که آفتاب طلوع کرد تو پخانه طرفین شروع به بمباردمان نموده میدان نبرد را کرم و کلیه قوا را مجبوراً داخل مبارزه نمود و مقاتله شدید در از سابق در طول جبههٔ « شکیبان » در گرفت .

بوسیله چابك سواران ، قسمت سوار نظامی که در سر راه فراه ، بودفوراً احضار کردید و در عرض دو ساعت کلیه قدوای آ نظرف بجبهه اصلی در شکیبان انتقال یافته بدین وسیله در بین طرفین [ ۱۸ ] موازنت حاصل و خطریکه برای قوای ایران متوجه بود ، در نتیجه دفاع متهورانه پیاد نظام وانتقال عده سوار مرتفع کردیده و محاربهٔ موضعی شروع شد .

آن روز نا ظهر چهار حملهٔ سنگین افاغنه دفع کردید وازبعد از ظهر بانطرف نوبت تعرض به قوای ایران رسیده و ساعت یك بعد ازظهر باز بوسیله شیپور کلیه عده ها با اسلحه سرد شروع به حمله نمودند، مقاتله بیش ازده دقیقه طول نکشید که افاغنه دوباره از رزمگاه خارج و بطرف قلعه هرات عقب نشینی اختیار نمودند.

موقع عصر طرفین در حدود خندقهای « یادکار» و « یاد صبا » در مقابل همدیگر جبهه تشکیل داده و مدتی به بمبارده ان مبادرت و رزیدند ، ولی شب بدون حادثه گذشت .

روز ۳۱ نــور: على الطلوع نبرد با تير و تفنك مجدداً شروع گرديد ، افاغنه باز دست بشمشير حمله ور شدند واز طرف ايرانيان بدواً بشليك تير وتفنك وتوپ مبادرت و آنى طــول نكشيد كليه با شمشير حمله متقابله كــرده ، افــاغنه را عقب راندند و بلافــامــله در پــى آنان حركت و تا در وازهٔ غربى شهر هرات تعاقبشان نمودند .

روز اول جـوزا : کلیه قـوای افاغنه بقلعهٔ هرات متحصن کشته و ایرانیان نیز محیط قلعه را از دو سمت ( مغربوجنوب ) محاصره نمودند.

از ظهر بمباردمان شهر شروع شد و غرش توپها و صدای ترکیدن گلوله ها مثل رعد در فضای هرات طنین انداز شده و از هر طرف گلوله مانند تکرك بر اهالی می بارید . خوف و وحشت عموم اهالی را فراگرفته بود ، مردم با حالت یأس و با امیدی تن به مرك داده جمعی باله میکردند ، برخی دست بدعا و استفائه برداشته وعدهٔ سراسیمه روبدشت و بیابان اطراف شهر گداشته و بالاخره همکی از سرنوشت آتیهٔ خود هراسان و بیمناك بودند .

<sup>[</sup> ۱۸ ] \_ قوائی از سمت شرقی آتش افر وز نوا بر حربه و پیکارگشته و ذوالفقار خان نیز باجمی انبوه از کمین برسر اردوی همایون رفته شفول کار زارگشته حضرت ظل اللهی فوجی از غازیان را بمد افعه ذوالفقار خان مأمور واورا بتیر دلدوزوسنان جانسوز ازسر بنه دور کرده ....

از کتاب جها نگشای نادری صفحه ۹۰ سطر ۱۳

روز ۲ جـوزا: صبح کلیه اهالی بسردار الله بار خان فشار آوردند که باید قلعه هرات را به نادر قلی تسلیم نهاید.

سردار الله یار خان که در این مدت در محاریات [کافر قلعه مری رود می کو سویه می سردار الله یادکار میکیبان] نصف عده و قسمت اعظم تو بخانه و بنهٔ خود را از دست داده بود ٔ یا این فشار اهالی جز تسلیم چارهٔ دیگری ندیده و همین روز مراسلهٔ ذیل را به فرماندهٔ کل قوای ایران ارسال داشت:

- افاغنهٔ غلجهٔ و آبدالی هر دو رعیت قدیم ایران بودند · غلجهٔ مصدر خیانت کشته اولاً شهــر »
- « قند هـــار و بعد از آن شهر اصفهــان راکه پــایتخت سلطنت بود تصرف کــردند وابدالی »
- مدتی بهوا خواهی ایران باغلجهٔ در مقام جنك و جدال میبود. أكر بمقتضای فتوت بیش از >
- « ابن بسفك دماء راضي و در مقام مؤ اخذة اعمال زمان ماض نبوده عطف عنان ظفر توأم و تنبيه»
- طايفه غلجةُرا اهم و اقدم دانند بعد از تنبيه آنجهاعت گروه ابدالی زیاده برسابق در صدد ايلي و ٠
- « اطاعت بوده حلقهٔ بندگی، در کوش و غاشیه خدمت بردوش خواهند کشید . . . . . »

مادر قلی با وجود مخسالفت شاه طههاسب ، سردار الله بار خان را با جواب مناسب پذیرفته و بحکومت هرات و نواحی آن بر قرارش کسرد و حتی یك قسمت از آ دوقه را که سابقاً از قوای افاغنه بغنیمت گرفته شده بود برای اهالی هرات فرستادو بدین وسیله محاربه در کلیه نواحی هرات موقة خاتمه پذیرفت و یك قسمت قوای ابران نیز وارد شهر شدند.

روز ۳ جـوزا: سی نفر از اعـاظم ابدالی با پیشکشی و هدایا شرف اندوز تقبیل رکاب فیروزی نشان کشته بخلاع فاخره بهره مند و چند نفـر از رؤسای معتبرهٔ آنهـا داخـل قشون شده و سردار الله یار خان که حـاکم هرات انتخاب شده بود، نـواحی « فـراه ، نیز بدو تفویض کردید.

روز ٤ جـوزا: نادرقلی بوسیلهٔ صلاح وسیاستعاقلانه مسئله جبههٔ شرق را خاتمه داد ... چرا ... برای اینکه در جبههٔ جنوب وغرب جلوتها جمات قوای اشرف را بگیرد: چه را پورتهائی که از ورامین و خوار میرسید دایر بر حملات قوای اشرف بود ، لهـذا معظم اله پیشنهاد آبدالیهارا

در هرات غنیمت شمرد که قوا را از شرق به غرب انتقاله دهده برایمه ان مقصوم متوسله به بعنی از عثایر و ایلات در امنان هیر مند و بخراطان و مناطق هیر مند و بخراطان و منبط قلعه • فراه • نیز بسردار الله یار خان محول وبدین وسیله دو ثیت محکمی فی مابین افاغنه شمالی داخل و حتی المقدور غائله هرات را پساز دادن سه هزار و هفت نفر قرمانی خاتمه و از دم جوزا شروع به انتقال قوا از جبهه شرق بجبههٔ غرب نمود.

اردو کشی غرب در تعقیب عملیات شرق انجام گرفت. در سایه اقدام و جدیت و فعالیت نادر ، قشون جدیدی در مغرب خراسان تشکیل گردید و در مدت یکه مادریك عده سی هزار نفری که دارای انسباط و روحیهٔ محکمی بود تهیه دید نامالاخره قرارگ کل در ناریخ چهارم ذی حجهٔ آنسال بفیروزی و اقبال وارد شهر « مشهد » کشته و جبههٔ غرب که موقهٔ در مغرب « شاهرود » بود ؛ از آنجهٔ اداره میشد.

در آخر جوزا نادر برای جبههٔ غرب مصم حرکت شد، یعنی آن عدهٔ که در مشهد د شت به همراهی خود بشاهرود ببرد ولی قبل از عزیمت خواست از بو حی شرق بکلی مضمئن کردد که آبدالیها در عقب و مجدداً قیام نکنند. لهذا برای استحکام روابط دوستانه سردار لله برخان را با رتبه فرماندهی قوای شرق تلطیف و در ضمن ناحیه « مرو » و « ماهار س » را هم بیکی از صاحبه نصان صادق و اگذار نمود و کلیه قضایائی را که بعد ها ممکن پود باعث اندیشه معظم له بشود رفع و مجبهه غرب حرکت نمود.

the construction of a color of the first property of the state of the

# فصل سوم (۱۱) جنك با قواى اشرف

وقتیکه افاغنه شهال درشهر هرات تسلیم شده اند ، اشرف از ترس خودخواست قوای ایران خلاصه وقایع : را از سست غربی تهدید نهاید ، بدین مقصود از اصفهان حرکت عوده برودی وارد بسطام میشود در محاربه مهمان دوست مغلوب شده به خط مدافعه سر درهٔ خوار عقب نشینی اختیار عوده و در آنجا نیز با یك منریت سخست منهزم و بطرف کاشان رجعت میکند . بالاخره با آخرین قوای خود در مورچه خورت در هم شکسته بطرف جنوب فرار و پس از مدتی سرگردان ، در حدود جنوب شرقی ایران بکلی بریشان و معدوم میشود.

#### ۱ \_ وضعیت عمومی در آخر ذی حجه: مرجهار ما ادی حجه

دولت ایران متوقف در جبهه جنوب که در مقدابان قدوای اشرف تقرایدهٔ یك پروه پوشش تشکیل میدادند پس از حرک قوای اشرف از شهر کاشان بطرف شمدان شروع به عقب نشینی نموده از راه [قم - حسن آباد - ری - ایوان کسی - سرده خوار - سمتگان] ک حوالی قصبه د دامغان ، رجعت اختیار کردند و بدین وسیله جبههٔ جنوب شابق شبدان بجبعه غرب کردید. ادرقلی که در این موقع بازه از جبهه شرق وارد شهر د مشهد ، شده بود ، فوراً حاجی بیك افشار را فرماندهٔ جبهه جدید غرب نموده با ورود خود به صحنه جنك کلیه مسؤلیت آن جبهه را بوی و اکذار کرد.

موقعیکه بیك افشار وارد قریهٔ <sup>و</sup>مههاندوست <sup>، ک</sup>ردید وضعیت جبههٔ مزبور بسیار مغشوش و روحیهٔ افراد بکلی خراب بود. مجموع قوا در ابتدای ورود معظم له بجبهه غرب به ۲۰۰۰ نفربالغ بود یعنی جماشش فوج پیاده وده دسته سوار و دوازده عراده توپ در صحنه عملیات موجود بود و پس از تنسیق و تشکیلات اولیه این قوا تقریباً به ۲۰۰۰ ( ۱۹ نفر رسیده و بقیه قشون در شهرهای «شاهرود» و سبزوار » و « مههان دوست! متفرق بود ند .

بدیهی است این عده برای عملیات در میدانهای نبرد سمنان ، دامغان ، مهمان دوست و بالخاد ه از برای دفاع قلعه های سمنان و دامغان کفایت نمینمود و به احضار قوای زیاد تری از نواحی شرقی خراسان محتاج بودند .

موضوع تجهیزات و سوق قشون برای دولتی که قریب چهل ایالت و ولایث را از دست داده و حالیه کلیهٔ مملکت او منحصر و محدود به خراسان و استراباد و هرات و مرو شده است نهایت صعوبت را داشت .

۲ \_ تمر كز قوا در جبهه غرب: درخــلال اين اوقات اكنچه تحرب تمركز قوا در منطقه خراسانجم

آوری میشد بطرف مغرب اعزام میکردید ' این عملیات از ناریخ ٤ ذی حجه نا ۱۸ صفر ۱۸ بطول انجامید . قلاع (سمنان) و (دامغان) قبل از رسیدن قوای اشرف حتی المقدور تقویت شدند . ولی قوای «سیدال » که تقریباً ستون سوار نظام اشرف را تشکیل میداد از جلکه (خوار) بسرعت حرکت کرده راههای امدادی قلاع فوق الذکر را مسدود و چهار عراده توپ سنکینی را که از مشهد برای دامغان فرستاده شده بود در بین راه [مهان دوست دامغان] از دست ایرانیان کرفتند و بدین وسیله آخربن امید واری مدافعین را مبدل به یأس نمودند نادر از عاصره شدن این دوقلعه فوق العاده در تشویش بود چه در صورت نسخیر آن قسلاع بوسیله قوای اشرف 'کلیهٔ امیدواری معظم له از دست میرفت . از آنطرف ضبط این قلاع برای افاغنه اهمیت اشرف 'کلیهٔ امیدواری معظم له از دست میرفت . از آنطرف ضبط این قلاع برای افاغنه اهمیت دهد و برای این مقصود با اینکه پس از رسیدن قوای «سیدال » بمنطقه جنگی وقت و فرصت دهد و برای این مقصود با اینکه پس از رسیدن قوای «سیدال » بمنطقه جنگی وقت و فرصت کافیهم باقی نهانده بود ' باز مشار الیه توانست اردوئی مرکب از نوزده فوج پیاده و ده دسته سوار و بیست عراده توپ مختلف در جبهه غرب تحت ریاست بیك افشار تمرکز بدهد و طولی نکشید که قوای ذخیره را هم همراه خود به آن جبهه رسانیده یك قشون بیست و نه هزار نفری را در آن

منطقه نبرد آماده جنك ساخت.

۳ \_ محار به همان دو ست : ۱۲ صفر ۱۱۶۲ قوای اشرف برسرقریهٔ دهمان دو ست : ۲۰ صفر ۱۱۶۲ قوای اشرف برسرقریهٔ در ست : ۲۰ صفر ۱۲۶ قوای اشرف برسرقریهٔ در ست : ۲۰ صفر ۲۰۰ مقاومت ۲۰۰ مقاومت در ست : ۲۰ صفر ۲۰ ۲۰

شدید و دفاع مردانه ، قلعه مزبور را تصرف و فرماندهٔ مجاهدین را که « میرسیدعلی » نام بود آسیر نموده و از آنجا بمحاصره قلعه سمنان پرداخت و بفرماندهٔ مقدمة الجیش « سیدال » نیز حکم کرد. که از محیط دامغان گذشته بطرف مشهد تعرض نهاید.

در تاریخ ۱۸ ماه صفر قوای « سیدال » درسمت قریه • مهمان دوست » حرکت و روز ۲۳ صفر با قوای ایران تهاس حاصل نمود .

« سیدال » پس از زدوخورد خونین قوای مقدم ایر انیان را بطرف مشرق عقبراند.

دراینموقع اشرف سمنان را از هرطرف سخت محاصر هنموده تلفات زیادی به مدافعین و اردمیاورد روز ۲۳ موقعیکه قوای «سیدال » بطرف قریهٔ ( مهروشن ) میرفت ، کلیه قوای ایران در آنجا مجتمع وقریباً خیال تعرض بزرك داشتند ، قلعه سمنان بدست اشرف افتاده و اشرف بدون فوت وقت بطرف دامغان حركت نمود و میخواست هرچه زودتر بقوای «سیدال » ملحق گردد قوای «سیدال » روز ۲۰ صفر به قریهٔ ( مؤمن آ باد ) رسیده روز بعد بدون اینکه از وضعیت قوای ایران در ( مهروشن ) اطلاعی حاصل ماید در شب ۲۷ ماه بخیال اینکه در قریبهٔ «مهروشن » فقط قوای مقدم ایرانیان ( یعنی قوای حاجی بیك افشار ) موجود میباشد مبادرت بشبیخون نموده ولی چون یك روز قبل از آمدن «سیدال » به آ نمنطقه ، قوای نادر از هرحیث حاضر بجنك شده بود لهذا «سیدال » کاری از پیش نبرد و بطور پریشان بجانب قوای اشرف منهزم شد و روز ۲۰ صفر که عده وی بسیار خسته بود وارد قربه مههان دوست شده و در همان منهزم شد و روز ۲۰ صفر که عده وی بسیال » ملحق شد .

روز ۳ ربیع الاول قوای ایران بطرف (مهمان دوست) شروع بتعرض نمود و روز ٤ یا قواي افاغنه تماس پیدا کرد.

روز \_ ٥ ماه در كنار قريهٔ مهمان دوست قوأى طرفين تلاقى نمودند .

میزان قوای افاغنه در آن تاریخ تغییر نکرده بود ، قوای اسلام خان که در قصبه طهران بود ، ازترس قوای شمالی ایرانیان که درماز ندران جدیداً تشکیل یافته بود مجبور شد که درهمانجا

<sup>(</sup>۲۰) — از کتاب جهانکشای نادری صفحه ( ۱۱) سطر ۱۹ و از کتاب تاریخ روضة الصفا صفحه ۲۰۰ و ۱۲ سطر ۱۱ اقتباس کردید . ج ـ ق

بماند ولی با این ترتیب موقع برای تعرض ایرانیان فوق العاده مناسب و مساعد بود و به از حیث قوا براشرف تفوق کلی داشتند و میتوانستند با حملات شدید خود با قبل از رسیدن قوای اسلام خان قوای حاضر اشرف را در هم شکسته و مغلوب سازند. ثانیاً چون عدهٔ جسور و سبك سوارات «سیدال » در مصادمه قریه « مه روشن » پریشان و مغلوب شده بودند بدینجه آز حیث روحیه نیز افاغنه ضعیف بودند. بنا براین وضعیث جنگ برای ایرانیان کاملاً مساعد بود و با درقلی نیز بخوبی باین مطلب پی برده و سریماً اقدام بجنگ نمود.

روز شنبه ٦ ماه در اواسط روز آتش جنگ مههان دوست \_ با کمال شدت شعلهورگردید. قشون نادر در کنار دره "نجر" مههان دوست به ترتیب ذیل استقرار یافته بود:

تیپ اول نحت ریاست گرجی خمان در جناح راست جبهه .

تیب دوم در نحت فرماندهی حاجی بیك در مركز جبهه.

تيپ سوم بريات على خان آبدالي در جناح چپ جبهه .

کلیهٔ سوار نظام و توبخانه با چند دسته مجاهد قوای احتیاطیه را تشکیل و در نحت ام مستقیم نادر قلی در پنجاه قدمی جبهه استقرار داشت و امر اکید صادر نموده بود که نا موفقیت حاصل نشود برای تها جم حرکت نکنند. به تیپها نیز امر شده بود که در مواقع خود توقف نموده بوسیله آتش تفنك و توپخانه با دشمن مقابله نمایند. (۲۱)

ظهر گذشته بود که تهاجهات افاغنه بخطوط اولیه ایرانیان از جبهه و از جناحین باکمال شدت شروع گشته سواران آنها داخل جبهه شده مشغول مبارزه بودند. در این بین سواران ایران نیز بسرعت و ارد جبهه پیاده های خود شده بسواران افاغنه را با تلفات زیاد عقب راندند در تهاجم دوم کلیهٔ قوای افاغنه تشکیل سه صف داده از سه طرف باکمال تهور حمله نمودند در نتیجه این حمله ایرانیان مجبور شدند تفنگها را زمین گذاشته با اسلحه سرد مقابله مایند و نفرات تو پخانه و نقلیه و قرارگ کل و برستاران و خود نادرقلی نیز داخل جنك شده قریب ده دقیقه

<sup>(</sup>۲۱) ـ « فوج فوج با توپخانه صاعقه بار محیط آن دریای خونخوار ساختند و مقررشد که افواج ظفر پروژه »

<sup>«</sup> و دلیران انجم شکوه بهمان نهج گروه گروه در جای معین در کمال آرام و وقار ضبط عنان ثبات و قرار کرده » « بدون امر همایون از جا در نیایند..... »

طرفین میجنگیدند ، رفته رفته وضعیت میدان محاربه خیلی سخت شد و کشت و کشتار بمنتها درجه رسید. در این بین شیپورچیان فرمان حمله را تکرار میکردند و دره « نجر » از اجساد مقتولین مستور و از خون کشتکان مملو بود. میدان مقاتله منظرهٔ دهشت آوری بخود گرفته ، ناله مجروحین ، شیههٔ اسبها ، غرش توپهای طرفین فریاد ، وفغان های اسیر ، چاکاچاك شمشیر ، تبر ، نیزه گوشها را پرمیکرد. باین ترتیب آخرین حمله افاغنه نیز دفع شد ، جمعی ازجوانان نامی ایشان که همیشهٔ در جنگها پیش قدم و در عرصه خصم افکنی رزم ساز بودند ، کشته شده و نصف کلیه قشون اشرف در این میدان خون بار بقتل رسیدند ، اشرف هرچه کوشش نمود که برای دفعه چهارم مبادرت به حمله ماید . ولی دیگر موفق نگردید .

پس ازدفع حملات متعدد افاغنه باز نادر اجازهٔ تعرض بقشون خود نداد. زیراکه معظم له میخواست نظم و انصباط میدان نبرد را همیشه در دست نگ هداشته و فقط در ظهور وضعیت مناسبی شروع بتعرض نماید.

بدین جهت پس از شکست ناقص قوای افاغنه ، ایرانیان مدتی آ نها را با آتش تو پخانه و تفنك پریشان ساخته ، بعداز جناحین جبهه سوار نظام را برای تهاجم اولیه آ ماده ساختند. در این بین که ایرانیان از جناحین حاضر به تهاجم شده بودند ، اشرف مجدداً بقیةالسیف قوای خود را سه ستون کرده از سه طرف جلو ریز و با شمشیر های آخته بطرف جبهه اصلی ایرانیان حمله نموده محاربه بالنسبه خونینی مجدداً در گرفت .

چون نادر فهمید که افاغنه دیگر مجال وطاقئ پیش بردن را ندارند، لهذا با شیپور حکم حملهٔ متقابله را اعلان و خود معظم له با فوج سوار کارد از جناح راست در تعقیب قسمت بالای درهٔ «نجر» که بوسیله راه باریکی بطرف قریهٔ «مههان دوست» امتداد می بافت شروع به تهاجم نمود. متعاقب فرمان هجوم کلیهٔ قوای ایران از خط اصلی پیش آمده در وسط دره «مهان دوست» متعاقب فرمان هجوم کلیهٔ قوای ایران از خط اصلی پیش آمده در وسط شدن قوای افاغنه از با افاغنه دست به یقه شده قریب سه دقیقه مقاتله نموده و در نتیجهٔ احاطه شدن قوای افاغنه از سمت شمال و همچنین تهاجم قسمت دوم سواران ایران از طرف جنوب «مهان دوست» آخرین امید افاغنه را قطع نمودند. افاغنه از مشاهدهٔ این وضعیت بکلی پریشان و بالا تکلیف مانده بود. در این موقع تو پخانه در بالای دره نجر اتصالاً کلیه نقاط میدان نبرد را مورد شلیك

قرار داده در هر نقطهٔ که یکنفر سرباز افغان دیده میشد، بدانسمت تیر اندازی نموده و درتقویت روحیه افراد ایران فوقالعاده مؤثر واقع میشد. از طرف دیگر کلیهٔ تو پخانهٔ افاغنه را ساقط نموده اثری از آنها باقی نمانده بود.

مالاخره افاغنه از هر سمت مورد تهاجم ایرانیان واقع گشته از هر طرفی که هجوم آور شدند و خود را در دریای آتش شناور دیده بجانب عقب شروع به رجعت کردند ولی وضعیت محاربه طوری برای آنها خطر ناك بود که عقب نشینی بدون تلفات غیر ممکن بود. لیکن یك عده از افاغنه در کنار دیوارهای « مههان دوست » در دور بیرقدار کل جمع شده مدافعه مینمودند. در این بین نادر و ارد مههان دوست شد و امر داد که برای تخریب دیوار های قصبهٔ مذکور یك قسمت از تو پخانه را از دره گذرانده شروع به تیر اندازی مایند.

ام معظم له در عرض چند دقیقه صورت گرفته ، چهار توپ سبك آخرین عدهٔ افاغنه را مورد شلیك قرار داده بیرقدار ایشان با عدهٔ دور خود از بای در آمدند. در این موقع اشرف با یك عدهٔ مختصر در بالای تپه های غربی « مهمان دوست » بود ، پس از مشاهدهٔ میدان نبید لوای اقبال را سرنگون دیده حكم عقب نشینی قطعی راصادر و تو بخانه و قرار گاه خود را جا گذاشته و مانند بخت خود بر گشته رو بگریز نهاد. جمع كثیری ازافاغنه و رؤسای نامی ایشان مقتول و زنده دستگیر شدند و عقب نشینی اشرف باعث ختم محارب ه گردید. فقط در سمت جنوب میدان محاربه یك عده مختصری از طرفین مشغول زد و خورد بودند ، موقع غروب منازعه خونینی در حدود میكار به یك در خت » كه چندین مرتبه بین متخاصمین رد و بدل شد در گرفت و بالاخره در دست ایرانیان عاقیاند و تقریباً شش بعد از ظهر كلیه افاغنه بطرف مغرب عقب نشستند و حلول شب باعث انقطاع عده گردید .

نادر در آنشب در مغرب قریهٔ مههان دوست اردوگاه معظمی ترتیب داده و سواران را نیز یك درسخ جلوتر فرستاده که در آنجا اردوبزنند .

اشرف در این نبرد خواین بزحمت ده هزار نفر را باخودخلاصی داده بطور پریشان بطرف دامغان وسمنان فرار کرد ، تلفات طرفین فوق العاده زیاد بود .

در ساعت ۹ بعد از ظهر دست از تعاقب برداشته و سکوت عمیقی همه جا را فراگرفت زیرا کلیه قوا خسته و فرسوده وخصوصاً سواران با دادن تلفات بسیار ، در تمام جبهه پراکنده گردیده و ار وی حاجی بیك كه قدری جلو رفته بود سمت عقب نشینی افاغنه را نیز كم كرد.

غلبه مهمان دوست ، براي نادر خيلي گران مام شدولي از نقطهٔ نظر تعبية الجيش وسوق الجيش بسيار نتيجه خوبي بدست داد. چه نصف قواي اشرف تلف و كليه تو نجانهٔ وي در جا مانده بود. اگر قواي اسلام خان كه در اين موقع در طهر ان بود ، وجود نداشت ، ميتوان گفت كه اشرف بكلي مضمحل مي شد ، ولي چون اشرف از قواي اسلام خان اميدواري داشت لهذا ممكن بود يا در « ورامين » به اتكاء قواي اسلام خان موفقيتي احراز مايد.

## فصل چهارم (۲۲) محاربه سر دره خوار

خلاصم عملیات: محاربه سر دره خواررادر سه مرحله میتوان مشخص نمود:

۱ \_ ایرانیان با عملیات دورانی شروع بتعرض مینمایند ، در این بین ایرانیان غفلت گیر میشوند ولی در نتیجه جرئت و شجاعت فوقالعاده ، موفق به ترمیم وضعیت خودمیشوند .

۲ \_ ایرانیان فتوحات خودشانرا نمیتوانندتوسعه بدهند. افاغنه خودشانرا متمرکز نموده
 جداً بمدافعه می پردازند.

۳ \_ قوای اسلام خان درسر درهٔ خوار مغلوب ومنهزم میشود و اشرف در نتیجه عملیات دورانی ایرانیان ترک میدان محاربه میماید و طهران فتح میشود.

ا موقعیت ایم اندان: اگر چه نادر قلی عجله داشت هرچه زودتر قضیهٔ اشرف را خاتمه دهد ولی شاه طههاسب و طرفدارانش مایل بودند که به تعویق افتد. حرکت از اردوگاه مههان دوست روزیکشنبه ۷ - ربیع الاول درسه ستون و یك قسمت جلودار در نحت امر حاجی بیك افشار شروع شد و درضمن به قوای مازندران که در نحت فرماندهی حسینقلی خان در (ساری) استقرار داشت حکم شد که هر چه زود تر از [فیروز کوه - حلبه رود - بنه کوه - ادران] خود را به جلکه خوار برساند و نیز مخفیانه بکلیه ولایات ایران که در نحت تسلط افاغنه

<sup>(</sup>۲۲) ـ مأخذ ابن فصل از كتاب جهانگشای نادری و روضة الصفا است .

واقع بودند، فتح بزرك مهمان دوست اعلان و اخطار كشته و امیدواري برای آ تیه داده شد.

نادربه این وسیله دیگر احتیاج به جمعآوری عده نداشت چه ازجوان وپیرهر که فتح وظفر مهمان دوست را میشنید فوراً از بیراهه خود را به قوای قرارگ. نادر میرسانید

حقیقهٔ قتح « مههان دوست » درسر ناسر مملکت ایران احساسات مهمی را به غلیان آ ورده و دیگرطغیان ملت بر ضد افاغنه علنی شد .

روز دوشتبه ۹ ربیع الاول اردو وارد « دامغان » شد ، روز بعد بطرف سمنان حرکث نموده وروز ۱۵ ماه داخل جلکهٔخوارکردید و با قوای مازندران که ازراه حلبهرود و اردبنه کوه شده بود پس از زد و خورد مختصری باسوارهای افاغنه ، بقوای ادر ملحق شد و چون اکتشافیون اردو وجود قوای افغان رادر دهنهٔ « سردره خوار » اطلاع دادند لذا اردو جلوتر از (ادران) نرفته د و روز در همانجا ماند.

۲ موقعیت افاغنیم: چنانچه در فصل سوم ملاحظه شد، اشرف پسازشکست در مههان دوست از شب یا الاول شروع بعقب نشینی کرده بود. در موقع رجعت کلیه نواحی دامغان، بسطام، سمنان ده نمك را غارت واهالی را قتل عام نموده بطرف جلکه خوار و رامین میرفت، چون عملیات تعاقبی ایرانیان بطور تأنی انجام میگرفت لهذا اشرف توانست روز ۱۳ ماه خود را به ادران برساند و در این موقع قوای اسلام خان که ساخلوی شهر (طهران) را تشکیل میداد پس از مغلوبیت مهان دوست مجبور شد که برای تقویت قوای بشیف اشرف بطرف مشرق حرکت ماید و روز ۱۳ ماه در جلکه خوار به وی ملحق شد و هم دو قرار گذاشتند که قدری عقب رفته در دهنه (سر دره خوار) خط مدافعه نشکیل و محدداً با قوای بادر مجنکند.

با اضافه شدن قوای اسلام خان کلیهٔ قوای اشرف به ۱۸۰۰۰ نفر میرسید ولی از حیث تو پخانه خیلی ضعیف بودند ، چه یک قسمت مهم توپهای آنها در میدان نبره مهمان دوست جامانده بود و تو پخانه ای که اسلام خان از طهران همراه آورده بود بیش از نه عراده نمیشد. با و جود این اشرف بنا بر انکاء قوای جدید الورود مجدداً خواست برای آخرین دفعه بخت خود را به آزمایش در بیاورد.

#### ۳ - وضعیتطبیعی ونظامی سر در ه خوار:

خط مدافعـه جدیـد افاغنه که در سر دره خوار احـداث شده است در میانـهٔ دو کوه بالنسبه مرتفع واقع و سختي معبرش طوریست که ستونهای طرف مهاجم نمیتوانند مجتمعاً عبور مایند ـ ولی یك راه دیگری از کوههای جنوبی دهنه و از کنار کویر وجود دارد که میتوان از آنسمت خط استحکامات سردرهٔ خوار را تهدید و اگر مهاجمین دارای وار نظام قوی بوده باشند میتوانند [ از آن جنرح دور زده بدون اینکه در دهنه معبر متحمل تلفات سنگینی شوند خودرا از مقابل ( ابوان کی ) بر روی خط سوق الجیشی اصلی برسانند.

وضعیت طبیعی سمت شهالی معبر دارای عوارضات طبیعی زیادی میباشد که عبور ومرور ستونها بسیار مشکل و فقط پیاده نظام میتواند به تنهائی حرکت نماید.

امتداد دره با بودن پیچ خـم زباد خیلی طولانیست و بتدریج ارتفاع آن بطرف منرب زیاد شده و بالاخره در آخر آن نیز خطدوم طبیعی وجود داردکه میتوان با قوای کم از تهاجهات خصم با کمال آسانی جلوگری نمود.

نهری که از وسط دره میگذرد ، فقط درمواقع زمستان و بهار در آن آب یافت میشودولی هیچ وقت مانع عبور نمیشود ، مگر در بارندگی های زیاد که سیل در آن جاری شود .

خلاصه سردرهٔ خواراولین دروازهٔ شهر طهران را تشکیل داده ٔ یك خط مدافعهٔ بسیار محکم محسوب میگردد.

ع \_ تعرض بهخط مل افعه سر در هخو ار : روز ۱۸ دبیع الاول قوای ایران از قصبه (آدران) بطرف قشلاق حرکت ندود.

در روز ۱۹ ماه قوای عمده در اطراف قصبهٔ (قشلاق) که بواسطه شعبه اصلی حلبه رود پوشیده بود مستقر گردید.

دراین موقع وضعیت افاغنه کاملاً معین شد ، قوای اسلام خان وسیدال در دهنه سر درهٔ خوار موقعیت انخاذ نموده و قوای سوار نظام اشرف نیز در تحت امر مستقیم خود یك منزل دور تر و در سمت جنوب غربی سر درهٔ خوار در حدود شرقی ورامین قرار گرفته بود . ولی چیزیکه برای

فادر مجهول بود ، وضعیت راههای کوپایه بود که از جلکه خوار بطرف دماوند ممتد میشوند . آیا قوای دشمن در آنطرف ها وجود دارد یا نه . . ؟ چه در صورت و جود قوای خصم در آن راهها ، جناح راست جبهه سوق الجیشی ابرانیان بخطر افتاده بالاخره اسباب زحمت میشد . بنابراین فادر برای اینکه در دهنه معبر بتواند بآسودگی بحملات مجدانه مبادرت ورزد ، عده از سوار نظام را برای جناح چپ یعنی به راه کویر مأمور ساخته و قریب یک مد نفر سوار را نیز برای کشف راههای کوپایه بطرف شهال غربی اعن ام نمود و به آنها دستور داد که با داشتن ارتباط با قوای اصلی بطرف دماوند برو تد و پس از اشغال قصبه مذکور و اخذ نفرات از برای تقویت خودشان از راه [ دماوند – جاجرود – سرخ حصار] بطرف طهران تعرض نمایند . (۲۳)

بستون کویرنیز دستورانی داد که اگر باقوای اشرف مصادف نشوند بدون اینکه در جستجوی وی بروند مستقیماً از کوه نمك دور زده به قصبه ایوان کی تعرض نمایند ولی در صورت اجبار موقعیث جنگئ فرماندهٔ سوار میتواند بقوای اشرف تعرض نماید.

روز ۲۰ مــاه هر دوستون از قوای اصلی مجزا گشته شروع بحرکت نمودند .

شب بیست و یکم نیزپس از غروب آفتاب قوای اصلی که قریب چهارده هزار نفرپیاده بود با چهارستون بطرف سردرهٔ خوار شروع بتعرض نموده و نصف شب به دهنه رسیده وبدون اینکه منتظر صبح باشند ستونها وضعیت جنگی بخود گرفته با صف جمع یعنی هر ستون از حالت ستونی به وضعیت صف نبرد در آمده و هر صنی را هزار نفر تشکیل و در پشت سر آن صف دوم از بالصد نفری و بعد از آن صف سوم از دویست و پنجاه نفری حرکت مینمود. در این بین که کلیهٔ صف ها پیش میرفتند غفلتاً مورد تعرض افاغنه واقعشده و بدون اینکه طرفین از هدفهای خود اثری مشاهده مایند داخل مقاتله سخت شدند. طولی نکشید این همه جمعیت روی یك جاده

<sup>(</sup>۲۳) ـ در جهانگشای نادر صفحه ۲۶ ـ سطر ـ ۷و۸و۹و۱۰ راجع به تعرض ایرانیان به خط سردرهخوار این طور مینویسد :

<sup>« . . . .</sup> بعد از وقوف براینحال از سبند سبك سیر پیاده گشته پنج شش هزار کس از تفکچیان خذیمه و نخعی» « و لالوئی را که پلنك قلعه جنگجوئی بودند فوج فوج مقدمة الجیش کرده بسمت شرقی و غربی کوه تعیین و توپخانه » « و زنبورك را از وسط راه راهی کرده خود چون کوه یا برجا دامن همت بر کمر استوار کرده بیورش پرداختند » « و بعکم همایون توپچیان چابك دست آتشین چنك ازمیان دره تنك بمدافع . . . . . »

تنگ بهم فشرده شده ' ادر قلی قدادر بر استعمال اسلحه فاریه و استفاده از سابر صنوف خود فه بود ' اردوی مقدم وی تقریب آسینه به سینه با دشمنیکه هر د قیقه بعده آن افزوده میشه طرف بود و صاحب منصبان و افراد پیاده ' سوار ' تو پچی ' نقلیه مخلوط بهم و بدون رعایت نظم و اصول حربی هر فردی به قدرتوا ناثی و جسارت و تهور خود فقط برای حفظ جانخویش محاربه میکرد . در یك چنین موقعیکه امید فتح تقریباً قطع شده بود ' نادر با جلال خان آبدالی موفق شد که با دویست نفر مستحفظین خود از روی بریدگی جاده تلال کشتگان و مجروحین که راه حله را مسدود کرده بودند عبور ماید و هر قدر که جلو میرفتند حتی الامکان نظم را بین سرباز ها برقرار نموده ' دشمن را ازهم میپاشیدند . در این بین سربازان نادر فریاد میزدند که ؛ ابرانیاف . . . قرار نموده ' دشمن را ازهم میپاشیدند . در این بین سربازان نادر فریاد میزدند که ؛ ابرانیاف . . . پیش بروید . . ! ما جلوتر از شها ها هستیم . . به برسید . . . دشمن شکست خورد . . . ! در تعقیب این فریادهای امید بخش یکدفعه ازهر سمت غریو هورا بلند شد و همه باشمشیرهای آخته حله نموده بسرعت پیش میرفتند ' ولی طولی نکشید قوای افاغنه از وسط در مبطرف سنگرهای اولیه خود بر گشته شروع به مدافعه میمایند . چون ناریکی شباز عملیات پیشروی مانع بود لهذا شیپور خود بر گشته شروع به مدافعه میمایند . چون ناریکی شباز عملیات پیشروی مانع بود لهذا شیپور ایست . . . ! زده شد و نا سفیده صبح محاربه منقطع بود .

روز ۲۱ ربیع الاول قبل ازطلوع آفتاب اردوی ادر که از این شب موحش خلاص شدهبود ، محدداً بطرف سنگرهای افاغنه شروع بتعرض نمود . ولی توپخانه خیلی از صفوف پیاده دور بود واز شدت و نحکم توپخانه افاغنه که در طرفین معبر یا دربالای تپه بطور صحت آ ماده بجنگ شدهبودند ، بدین جهت توپچی های ایرانیان نمیتوانستند جلوتروفته پیاده های خود شاترا حمایت کنند . لهذا نادر فهمید که در چنین موقع نمیشود منتظر توپخانه شد ، بنا بر این حکم تهاجم را یا شیپور اعلام نمود . کلیه قوای موجوده بطرف سنگر های افاغنه شروع به هجوم نمودند ، در اینوقت دو باره نائره قتال بشدتی هرچه خامتر اشتمال یافت .

مواسع قوای افاغنه بسیار محکم و خصوصاً مواضع آنشبار ها قبل از شروع نبرد طوری انتخاب شده بودند که کلیه صفحات میدان محاربه رادر زیرتائیر آتش خودقرار میداد ، بدین جهة تلفات ایرانیان خیلی زیاد شده و محاربه با کال شدت ادامه داشت ولی قوای طرفین بهیچوجه تناسب نداشت زیرا افاغنه قریب ده هزار نفر و قوای نادر در وسط معبر پانزده هزار نفر بودند. لیکن با وجود این؛ قوای نادر نتوانست افاغنه را با این حملهٔ نانوی شکست داده و آنها را منهزم

سازه. زیرا سلحشوران اسلام خان شانه بشانهٔ هم ایستاده و با سپرهای بلند وشمشیرهای تیز خودشان تشکیل حصار روئین محکمی میدادند.

چندین مرتبه هجوم ازطرف آیرانیان تجدید شد و سعی کردند که قوای اسلام خان را در هم بشکنند لیکن تهاجهات بی نتیجه مانده و مجبور شدند قدری عقب رفته با حمایت نوپخانه مجدداً پس از توحید عملیات شروع بتهاجم مایند.

کلیهٔ قوای ادر تقریباً دویست قدم عقب رفته بحال بز انوشروع به تیراندازی باتفنك امودند. در این بین هفت عراده توپ نیز و ارددهنه معبر شده به سختی داخل موضع نبر دگر دیدوشروع به تیراندازی نمود. مدت یك ساعت محاربه با اسلحه ناریه طول کشید ولی با اسلحه که قشون در دست داشت و حصول نتیجه قطعی به این زودیها ممکن نبود و اگر محاربه هم بطول انجامد ممکن است قوای دیگر افاغنه از حدود ورامین به کمك آنها آمده وضعیت راهشکلتر ماید. لهذا نادر مصمم کشت که وقت ظهر مجدداً شروع بتهاجم ماید. محاربه با وضعیت پیش ناظهر دوام داشت ولی بعداز ظهر قوای ایران بترتیب ذیل مجدداً شروع بتهاجم نمود: بانصد نفر به سمت سنگر های مرکزی افاغنه قوای ایران بترتیب ذیل مجدداً شروع بتهاجم نمود: بانصد نفر به سمت سنگر های مرکزی افاغنه مامور تهاجم شدند.

پنجهزار نفر عده را نیز بطرف سنگر های جناح چپ افاغنه اعزام و خود معظم له نیز با دو هزار نفر در قوای احتیاط ماند که در موقع لزوم برای تقویت حاضر باشند.

تهاجم آخر بفرمان واجد شروع شد. منازعه خونین درهر سه منطقه که چندین مرتبه تپهها بین متخاصمین رد وبدل میشد در گرفت و بالاخره تپه های مهم در دست افاغنه باقیهاند.

در خلال این اوقات از ستونهای جناحین که روز قبل یکی بسمت شمال غربی و دیگری بطرف جنوب غربی اعرام شده بودند خبررسید و دایر براین بود که در قسمت شمال غربی از دشمن اثری دیده نشده وقصبه « دماوند » در تحت تصرف ایرانیان واقعست .

ونیز خبری که از حدود ورامین آمده است شامل بر چندین قول بود اولاً اشرف درحدود «کلسه دار » بوده و بنه هسای قوای وی از حدود دوازده امسام بطرف جنوب در سمت قم در حرکت هستند. نانیاً راه بین ایوان کی ـ ورامین باز بوده اثری ازدشمن پیدا نیست . با وجود خبرهای پیچیده و مبهم باز فادر بطور کلی از جناحین جبهه سوق الجیشی خاطر جمع شده و کلیهٔ افکار خود را مجبهه تا کتیکی ستون مرکزی مصروف نموده و بطور قطع الهجوم اجباری را سرمشق قرار داده مجدهاً مجبهه افاغنه حمله کرد.

بر طبق اصول تا کتیکی که ؛ نادر اغلب درمحاریات «کافر قلعه » بکار برده بود ، تو پخانه در تحت حمایت جسورانهٔ پیاده نظام قدری جلو آ مده ارتفاعات طرفین دره را اشغال و شروع به تیر اندازی نمود .

مانند محاربات قبل نادرقلی درصدداجرای عملیات احاطهای به جناحین خصم نمود ولی بعلت بلندی زمین و نداشتن اطلاعات کافیاز وجود قوای اسلام خان ، موفق نمیشد . محاربه بدین ترتیب در توی دره با کال شدت ادامه داشت ، بعد نادر دانست موقع رسیده است که غلبه یا مغلوبیت ظاهر کرد ، لهذا عده مخصوص خود را نحت حهایت تو پخانه ساکت و کلیه پیاده نظام طرفین یا اسلحه جارحه داخل مقاتله شدند . نادر آخرین سریاز خود را نیز داخل معرکه نمود و طولی تکشید که جبهه افاغنه در سه نقطه در هم شکست و همچنین در نحت نهدیدا حاطه شدن در جناحین ، افاغنه مغلوب و بطرف مدخل غیبی سردره خوار عقب رفتند . ولی در نتیجه فقدان سوار نظام وتلفات سنگین نادر نتوانست آنها را کاه الا تعاقب نهاید . موقع غیروب نادر قوای خود را در توی دره جم آوری و پس از اعزام یك دسته سوار بطرف مغرب دره برای خارج نمودن کلیه فراریان افاغنه از کوههای اطراف و همچنین تأسیس ارتباط باستون جنوب که بواسطه کوه نمك از قاعدهٔ معمولی بیشترقطع ارتباط نموده بود ، بسمت «ایوان کی» عازم شد ، قصداو این بود که قبل از الحاق دستجات بیشترقطع ارتباط نموده بود ، بسمت «ایوان کی» عازم شد ، قصداو این بود که قبل از الحاق دستجات عتلف افاغنه ، به قوای فراری اسلام خان تلاقی و آنها را مضمحل کند .

ولی در نتیجه شکست سردر مخوار افاغنه تصمیم گرفتند که با اجتناب از تلاقی کامل از جلکه ورامین و ایوان کی بطرف طهران عقب نشینی نموده و در صورت امکان در کوه شهر بانو منتظر قوای رشید خان و عنایت الله خان کردند ، بدین طریق نادر قلی در موقع پیشروی بطرف ایوان کی در مقابل خود فقط قسمتی از عقبدارهای افاغنه را یافت که به تعویق انداختن پیشروی معظم له قناعت مینمودند.

نادر نمام شب را با عملیات پیشروی گذراند، بارندگی های زیاد نظامیان راخسته و پریشان نموه، ولی عشق فتح و ظفر آنها را به تعقیب خصم وادار مینموه. قشون در توی دره باداشتن پهلودار وجلودارهای قوی بطور آهسته نا صبح حرکت نموده قبل از طلوع آفتاب مقدمهٔ ستون به ایوان کی نزدیك میشود.

داد. زیراکه مشارالیه پس از دو روز عملیات قهرما نانهٔ ستون سوار حاجی بیك ایوان کیرا به تصرف ایرانیان داد. زیراکه مشارالیه پس از دو روز عملیات دورانی در حدود کویر و کوه نمك و کوه کچ وپس از زدو خور دمختصر با سواران اشرف در حدود شال شرقی و رامین 'خود را به «ایوان کی و رسانیده کلیه بنه و ذخایر جنگی قوای اسلام خان را بتصرف در آورده بود.

روز ۲۲ ــ مــاه صبح ساعت ۹ ستون اصلی نیز در زیر باران شدید وارد قصبهٔ مزبور شده آن روز اردو مجبوراً در آنجا توقف نمود .

• - پیشروی بطرف طهران: عقب نشینی خصم درروی چند جاده ادامه افته بود ، باز نادر در تصمیم پیشروی مستقیم بطرف شهر (طهران) ثابت قدم بود ، چه درصورت تصرف شهر مزبور ، در تمام و لایات افکار عموم را بطرف خود جلب و برای تشکیل دستجات داوطلب مجاهد وسیله مؤثری فراهم خواهد آورد . بدین جهت صبح کلیه قوا را درسه ستون بطرف طهران حرکت دادستونه ابتر تیب ذیل بودند:

- \_ قوای عمده که ( ۰۰۰۰ ) نفر بوددرروی جاده [ ایوان کی \_ کلهاومر \_ طهران ] در تحتام مستقیم فرماندهٔ کل قوا .
- \_ ستون رأست که ( ۱۸۰۰ ) نفر میشد درخط [ دماوند \_ جاجرود \_ سرخ حصار \_ ظهران ] به ریاست حسینقلیخان حرکت نمود .
- \_ ستون سوارنطام كه ( ٠٠٠٠ ) نفر سواردر راه [ ايوان كي \_ شهر ورامين \_ شهزاده عبدالعظيم \_ طهران ] در تحت رياست حاجيبيك افشار .

این صورت بندی سوق الجیشی نادر تقریباً با تمام پیش آ مد ها قابل تطبیق بود ، چه اگر افاغنه بطرفطهرانعقب نشینی نایند ، ستون راست که هردقیقه به عدهٔ آن افزوده میشد به آ نهادر آ و پخته و قوای عمده خواه برای تهاجم به آنها در کوههای (شهربانو) و (ری) و خواه برای رأندن

ایشان بجلگه غار و پشاپویه به کمك خواهد آمد، زیرا که سمت حرکت ستون رأست دررأس منطقهٔ مثلثی واقع شده است که رأس آن (طهران) و قاعده آن (دماوند) و جلگهٔ (ورامین) میباشد و هرچه بطرف مغرب برود به خط اصلی ستون عمده نزدیك میشود.

واگر افاغنه به قوای حاجی بیك متوجه شوند امیدخوا هدبود كه ستون عمده در نتیجه وضعیث منطقهٔ جنگی از آنها جلو افتاده در هر آن میتواند خودرا به بكمك حاجی بیك برساند.

بالاخره درصورتی که افاغنه مجتمع شده در خط کوههای شرقی طهران حالت تدافعی اتخاذ و منتظر محاربه گردند' آنوقت هرسه ستون بنابر وضعیت سوق الجیشی که داشتند میتوانستند یا کمال راحتی بخطوط آنها حمله نموده و ستون های جناحین نیز از شمال و از طرف جنوب به عملیات دورانی مبادرت میورزیدند.

روز ۲۶ – ماه نمام روز قوا درحرکت بود. موقع غروب ستون راست به جاجرود ستون عمده به (خاتون آ یاد) رسیده و ستون چپ مجدداً داخل جلکه ورامین کردید.

روز ۲۰ \_ مــاه طرف ظهر پیشروی ستون راست در شمال در روی خط [ جاجرود \_ سرخ حصار ] و عملیات دورانی منظم ستون سوار نظام در طرف چپ جبههٔ سوق الجیشی ، باعث عقب نشینی افاغنه از خط مدافعه [ زندان \_ کوه بیبی شهر بانو ] گردید .

چون از مقصود افاغنه اطلاع صحیحی در دست نبود ، نادر با قوای عمده به خط بالای [سرخ حصار \_ زندان \_ کوه ببی شهر بانو] آ مده و بطرف طهران اکتشافیون قوی اعزام داشت وقوای عمده نیز در خط مذکور قرار گرفت . طرف غروب بوسیله ممأورین اکتشاف غربی و شمالی و جنوبی و همچنین را پورت جامع ستون سوار نظام ، وضعیت عمومی افاغنه در جلکهٔ غاروپشاپویه واضح و معلوم شد که قوای اسلام خان طهران را آتش زده (۲٤) بطرف جلکه شهریار عقب مینشیند و قوای پریشان اشرف نیز از حدودپشاپویه از قوای اسلام خان مجزا کشته بطرف قم به عملیات رجعتی خود ادامه میدهد. بدین طریق معلوم شد که قشون ایران کلیه قوای منهزم افاغنه را بدوقسمت (که تقریباً سی کیلومتر فاصله بین آنهاست) تقسیم نموده و ممکن است هریك از آنها باید

پرداختقدری اشکال داشت زیر اکه شهر قزوین درپشت سر اسلامخان وقم درعقب اشرف نقاط مواصلهٔ. مهمی را تشکیل داده ، ممکن بود در آنجا قوای جدیدی تمر کز یافته باشد... ؟

چون درهر صورت اشغال شهر طهران واجب بود ، لهذا نادرفوراً دستورات لازمه راصادر ودراواسطشب بطرف طهران حرکت نمود. دوساعت بعدازنصف شبشهر طهران بدون زدوخورد تسخیر و درقسمت شمال آن اردوگاه بزرگی بر پاگردید.

روز ۲۶ — ماه قوأي عمده در طهران وستون سوارنظام درشهز اده عبدالعظيم و فوج طهران در خط کرج و فوج مازندران در خط رباط کریم استقرار داشت .

#### **☆\***☆

فتح شهر مهم «طهران »کهدرقرن هیجدهم میرفت اهمیت سیاسی پیداکند پیشرفت قدرت سیاست دولت را که درمحاربات شرق درتمام فتوحات غرب واضح گردیده بود روشن و آشکار کرد.

حکومت ایران که قلمروآن یکسال قبل منحصر به حدود خراسان بود، حالادیگر شامل و لایات استرآباد، مازندران، تنکابن، گیلان، عراق عجم شده و نفوذ سیاسی و نظامی آن بسایر ایالات ولایات هم سرایت کرده و هرروز دسته دسته اولاد وطن در دور ار دوی غیور نادر جمعی شدند و کمکهای مادی و معنوی اهالی خارج از حد تصوربود . ار دو مدت دوهفته در طهران ماند و دراین مدت کلیه نواقص ار دو از هر حیث رفع و برای وارد ساختن آخرین ضربت به دشمن حاضر شده بود.

٦ ـ تاختو تاز سوأر نظام ایران : نادر ، ازاین اقدام مقاصد ذیل را در نظر داشت :

۱ ـ کلیهٔ راههای سوقالجیشی اطراف شهر « طهران » را کشف موده محل تمرکز قوای عمده افاغنه را سداکند.

۲ – ارتباط قلعه • قزوین » را با قوای اسلام خان قطع نموده ، نگذارد اتحاد فی ماین دو قشون ( عثمانی و افاغنه ) صورت عملی پیدا کند ، چه درصورت ملحق شدن قوای عثمانی ، قیم شهر همدان مخاطر مبزرگی برای قوای ایران فراهم گشته و ممکن بود در نتیجه الحاق این دوقشون کلیه فتوحات هفت ماههٔ معظم له از بین برود بنابر این نادر قلی قوای حاجی بیك افشار را مأمور مود که در روی خطوط جنوبی طهران مخصوصاً در جلکه های پشاپویه ، شهر بار ، ساو جبلاغ ، رهرا ناخت و نازی بعمل آورده کلیه فراریان افاغنه را از غرب بطرف جنوب براند و همچنین برؤسای قشون • تنکابن ، وگیلان ولاهیجان و اوسالم نیز که در تحت ریاست اغورلوخان و حسین قلی خان

تشکیل یافته بود ' احکام جنگی صریح و قطعی صادر شد که هر طوری میسر است از کوههای «فشند» عبور و ارتباط شهر وقلعه «قزوین» را با قوای اسلام خان مقیم ساو جبلاغ قطع نموده خود را بقوای حاجی بیك رسانیده برای الحاق بقوای عمده بطرف جنوب بسمت جلکه ساوه و زرند در حرکت باشند.

روز \_ ۲ \_ ربیع الثانی این قوا در جوار شهزاده عبدالعظیم تمرکز یافت و به دو ستون در خط غار ویشاپویه وشهریار حرکت نمود.

روز – ۳ ربیع الثانی که این قوا در جلکه غار و پشاپویه راه پیهائی مینمود ، هوا مساعد و تهامهای تام مایحتاج در عرض راه فراهم بود . ستونهای فوق خارج از جاده بافاصله قریب دو فرسنگ از بکدیگر حرکت میکردند . در عرض دو روز جلکه های غار و پشاپویه و شهریار طی شد ولی نقشه های کاملی در دست نبود و بهر ستونی حکم شده بود که کلیه قراء و راههای اطراف را کشف نموده ، همیشه بسمت مغرب حرکت کنند .

روز \_ ٤ \_ ماه در قصبهٔ « رباط کریم » اطلاع حاصل شد که یك قسمت قوای افاغنه در حدود «کاروانسرا سنگی» واقعه در جنوب رباط کریم ، متمرکز و خیال تعرض بطرف شهر «طهران » دارند . بنابراین فرماندهٔ قوا (حاجیبیك) آن روز کلیهٔ عده راجع و بطرف کاروانسرا سنگی حرکت نمود . در آن روز طرف عصر به افاغنه بر خورده ، پس از زد و خورد خونین آنها را بطرف جنوب رجعت داده در نتیجه تعاقب سریع ، کلیه سواران ، افاغنه برودخانهٔ شور داخل و عدهٔ زیادی از آنها در آب غرق شده ویك قسمت اسیر میشوند .

آن شب قوای ایران در وسط راه توقف نموده و ضمناً قسمتی از بنه های افاغنه را که پشت نهههامانده بود تصرف میمایند . روز بعد قوا تغییر سمت داده از راه [ پلنك آباد \_ اشتهارد \_ فارس آباد ] بطرف شهر « قزوین » رهسپار میشوند . در عرض راه به دستجات ضعیف فراری افاغنه مصادف کشته داخل منازعه میشوند .

روز بعد این قوا بحرکت خود ادامه داده و بالاخره روزشهم ماه به حدود قزوین رسیده به اتفاق عدهٔ اغورلوخان و حسین قلیخان به استحکامات شهر حمله میآورند و پس از دو ساعت محاربه قوای احمد خان پسر اسلام خان که بایکهزار نفرنظای آنجارا مدافعه مینمود ، مغلوب نموده شهر را بتصرف در میاورند . بدین ترتیب پس از فتح و تسخیر شهر قزوین ارتباط نواحی شمال غربی ایران دایر و نفوذ حکومت نادر تا به حدود کوههای (سهند) و (سبلان) امتداد پیدانمود.

## فصل پذیجم (۲۰) تعرض سوم محاربه مورجہ خورت

شرح وقایع : قشون نادر روز ۱۱ ربیع الثانی ۱۱۶۲ با دو ستون سوق الجیشی شرح وقایع : بطرف جنوب حرکت میکند و مانع الحاق قوای عثمانی و افاغنه شده و در ناریخ ۲۰ ماه در حدود « مورچه خورت » بکلیه قوای افاغنه شکست داده قریب سه فوج قوای امدادی عثمانی را که از بی راهه بکمك افاغنه آمده بودند در آن محاربه اسیر و بعد با یك راه بیمائی فوق العاده سریع مقر حکومت اشرف را که (اصفهان) بود (۲۲) فتح میماید.

#### ١ - وضعيت عمومي در اوايل ربيع الثاني

پس از دخول بشهر طهران نادر قلی نمی توانست بسه تعرض اولیه خود ادامه دهد . زیرا افساغنه در بین [ خرفان \_ ساوه \_ قم ] برا کنده و قوای عثمانی که مدتی بود در شهر همدان توقف داشتند معلوم نبود که ، در مقابل شکست متفق خود ، ( یعنی افساغنه ) چه تصمیمی انخاذ خواهند کرد ؟ در صورتیکه قوای نادر بی اندازه خسته شده بود . با این اوضاع نادر دانست که بهترین تصمیم آنست که منتظر بشود قبلاً وضعیت عثمانیها در حدود همدان و کرمانشاهان معلوم کردد .

برای رفع خستگی قشون مدت بانزده روز در طهران اقامت نمایسد تا آنکه وضعیت بکای روشن کردد. در این موقع کلیهٔ قوای ایران به قرار ذیل استقرار داشت:

<sup>(</sup>۲۰) مأخذ این فصل از کـتاب جهانگشای نادری و ناریخ رو**ضةالصف**ا و تاریخ افغانستان و ناریخ عشانی و جغرافی نظامی ایران میباشد . ج ـ ق

<sup>(</sup>۲٦) ـ اصفهان در سال ۱۱۳۰ هجری یعنی [ روز یکشنبه ۱۴ محرمالحرام ۱۱۳۰ ] بدست افاغنه افتاد . محمود و اشرفافغانی آ نجا رامقراداره حکومت خودشان قرار د اده آند و بالاخره در تاریخ [ روز ۸ جمادی الاولی ۱۱۲۲ ]یمتی بعداز هفت سال ازطرف ایرانیان تسخیر و مجدداً پایتخت ایران انتخابکردید.

۱ \_ قوای عمده که قریب ۲۳۰۰۰ نفر میشد در ظهران و قسمت های جملودار آن در روی جاده طهران \_ ساوه و طهران \_ قم بودند.

۲ \_ قوای حاجی بیك عبارت از ۰۰۰۰ نفر در جلکه جنوب زهرا متمركز بود.

۳ \_ قوای اغورلوخان عبارت از ۰۰۰۰ نفر پیاده و سوار در شهر قزوین استقرار یافته بود.

٤ \_ قواى حسين قلي خان كه ٠٠٠٠ نفر بود ، در حدود كردنهٔ آ وه استقرار داشت

قوای احتیاط و تفنگچیان سلطنتی با قرارکاه شاه طههاسب در طهران ماندند.

روز – ۱۲ ربیم الثانی نسبتاً ازاوضاع قشون ومحل توقف قوای متحدین (عُمانی و افاغله) بوسیله قاصد وجاسوس ، مهاجرین و اکتشافیون اطلاعاتی بدست آمدکه تقریباً بقرار ذیل بود:

۱ ـ عثمانیها کافی السابق درحدود همدان و کرمانشاهان متوقف و فقطسه فوج خود را برای کمك افاغنه بسمت ملایر و خوانسار اعزام و چون اوضاع داخلی عثمانیها بیش از پیش مغشوش بود، لهذا به اشرف اطلاع داده بودند که اولین و آخرین قوای کمکی همان سه فوج است و بس . . ! (۲۷)

٣ \_ اسلام خان با عدة غير معلوم ، در حدود عراق عجم استقرار دارد .

۳ \_ اشرف در ۱ اصفهان ۴ مشغول جمع آوري قوا بوده یك قسست از قوای وي در كاشان و در بین [كاشان \_ اصفهان ] میباشند.

۲ \_ عمليات در جبهه جنوب و روز - ۱۶ ربيع الثاني نادر به «قم» رسيده و با قواي عمدهٔ كه در آنجا

مجدداً مجتمع شدهبود ، به منظور مهانعت ازالحاق قواى عثماني باقشون اسلام خان تعرض را شروع كرد

أسلام خان بمحض نزدیك شدن نادر با كال احتیاط بطرف شهر «كاشان » مشغول عقب نشینی گردید و فقط عده عقبدار او در حدود « نطنز » شكست خورد و نادر باحالت تعاقب به كاشان رسید و قواي عُمانی و اسلام خان را در آنجا مجتمع بافت .

<sup>(</sup>۲۷) ــ اشرف چون پیش از وقت از سر عسکر روم که در « همدان » بود استمداد نموده وسرعسکر نیز چند نفر از پاشایان جلیل/الشان رابا جمعیت شایان. بمعاونت او روان ساخته بود، ایندخمه رومیه را نیز رفیق عزیمت ساخته باکوکبه و استعداد تنام و احتشام مالاکلام طریق مقابلت سپرده....

ـ ازکتابجهانگشای نادری صفحه ۲۰ سطر ۷ ـ

روز \_ ۱۹ ماه نادربدون اینکه منتظرقو ای مأمور جناح راست که در جوار کلپایگان و کمره مشغول عقب راندن عده های ضعیف و براکندهٔ افاغنه بود بشود ' شروع بتهاجم نمود .

در این موقع توای اسلام خان بسیار ضعیف بود ، زیرا کلیه قدوای اشرف هنوز به میدان نبرد رسیده ، گازه در حدود « مورچه خورت » متمرکز میشد ـ اگر اسلام خان بدون نبرد در صدد عقب نشینی بطرف مورچه خورت و بروی قوای اشرف برمیامد ، حتماً شکست خورده واشرف که با قوای بازه نفس از اصفهان میآمد بدون تکلیف میهاند . بنا بر این محاربه را مجبوراً قبول و در سایهٔ افواج « یکیچری» و « بوستانجی » با وجود کمی عده نفرات از ابتدا نگاهداری کرد ، نا شب درموقعیت خود که نسبتاً برای محاربهٔ تدافعی بهتر بود مقاومت نموده در ظلمت شب عقب نشینی را بطرف مورچه خورت شروع نمود .

فرداي آن روز نادركليه قوا را به جادهٔ [كاشان ــ اصفهان ] انداحته ' بسرعت درصد دتعاقب خصم بر آ مد .

س نبرد مورچه خورت در اراضی وسیعی بین دشت و کوه بوده یعنی وسیعی بین دشت و کوه بوده یعنی وسیعی بین دشت و کوه بوده یعنی قسمت غربی آن میدان محاربه کوهسار و قسمت شرقی آنرا جلکهٔ خشك تشکیل میداد. آنچه دراین میدان جدال از لحاظ موقعیت تاکتیکی اهمیت داشت همانا تپههای مورچه خورت بود که برای موقعیت پیاده نظام و تو پخانه مناسبت داشت و جناح شرقی آن رای عملیات احاطه ای خیلی مساعد بسود.

### **☆☆☆**

طرح نادر برای این نبرد عبارت بود از اقدام احاطه ای بر ضد چهار قشونی که [قشون سیدال \_ قشون اسلام خان \_ قشون اشرف \_ قشون عثمانی ] در خط مدافعه « مورچه خورت » انخاذموقعیت نمود، بودند ، زیرا که تهاجم مستقیم موجبخطر و تلفات کلی بود . چه تپههای میدان جدال بطرف شال و تو پخانه دشمن در بالای تپه های مزبور طوری اتخاذ موضع نموده بود که کلیه خطوط تهاجم را در زیر آتش مستقیم خود قرار میداد . لهذا نادر تصمیم گرفت از روبروی جبهه به حملات غیر دائمی و اجرای حرکات نهایشی اکتفا نموده و ضربت اصلی را بوسیله بك ستون قوی بجناح راست خصم و ارد و بعد با کلیه سوار نظام جناح مزبور را مورد تهدید و پس از آن با هردوستون آن جناح را احاطه و هرچه زودتر راه اصفهان را بدست آورد .

خلاصه ؛ بطور اجهال تصمیم اولیه عبارت بود از ترکیب یك تعرض ساده بــ کلیه جبههٔ متفقین و یك تهاجم احاطه ای در جناح راست و عقب آنها بود.

در مقابل ابن طرح ، آرایش جنگی افاغنه و عمانیها را هم میتوان بقرار ذیل نصور نمود:

اتخاذ حالت تدافعی در انتظار تعرض و هجوم ادر ، در حالتیکه کلیه قوا در تپه های مورچه خورت به خطوط دفاعیه متکی گردیده بودند و اگر یکی از چهار قشون مورد حمله واقع شود ، دیگران باید خودشان را به روی جناحین ایرانیان بیافکنند و سواران (سیدال) که منفر دا در زاویهٔ غربی جبهه موقعیت اتخاذ نموده بودند ، مانع عملیات ایرانیان بطرف آن جناح خواهد گردید.

روز \_ ۲۲ مــاه قوای ایران پس ازعقب راندن قوای مقدم متفقین بطرف جبههٔ اصلی حرکتوپس اززد و خورد مختصر به اکتشافیون نزدیك ظهر به جلو جبهه اصلی خصم رسیده پس استقرار قوابا صفوف جمع شروع بتعرض نمود. (۲۸)

در مرحله اول ، محاربه باکال نظم جریان یافته ، دسته های مختلف با صفوف مرتب بطرف جبهه خصم تیر اندازی میکردند. عده تفنك پركنها فوق العاده زیاد و با تفنگهای بدكی كار های خودشان را بطور مرتب انجام میدادند.

تو بخانه طرفین بدون هدف معین مشغول ثبر اندازی بودند. (۲۹)

ناد, عجله داشت که از حالت تعرض موضعی به حالت تهاجم اجباری در آید چه وضعیت نبرد این عمل را ابجاب میکرد. بنا بر این امر بران متعددی نزد فرماندهان واحدها اعزام و به آنها امر داد که به علامت افراشته شدن بیرق سلطنتی کلیه افواج بااسلحه سرد بطرف استحکامات خصم هجوم نمایند.

وقت ظهر بنا بر اشاره مخصوص فرماندهٔ کل قوا کلیهٔ تو پخانه موجوده ساک و بك مرتبه کلیه قشون باشم شیرهای آخته خودرا بروی جبهه متفقین افکندند. حمله اول بامقاومت جدی عقیم ماند وصفوف حمله تقریباً چهل قدم خودرا عقب کشیده مجدداً بااسلحه ناریه مشغول محاربه شدند و تو پخانه نیز پس از تغییر مواضع اولیه شروع به ثیر اندازی نمود.

<sup>(</sup>۲۸) ـ در قرون اخري اغلب عمليات تعبية الجيشي با صف جمع انجام ميكرفت . نظام تغرقه در مواقع لزوم يطور طبيعي بكار ميرفت .

<sup>(</sup>۲۹) \_ در محاربات صحر اثمی وقلاع فقط برای تزیبد روحیه افراد نطامی بکار مببردند.

نبرد از مسافت دور آما دو بعد از ظهر دوام داشت. با اینکه طول جبهه و استعداد متفقین بیش از محاربات قبل بود ولی قوای روحی آنها خیلی متزازل وکلیه افراد دیگر با آن شهامت و تعصب جنگهای پیش مبارزه نمی کردند ولی قشون نادر بر عکس ؛ آنها دارای روحیه سرشار و عقیدهٔ راسخی بودند که فقط فتح و ظفر باعث افتخار و سربلندی او شده دشمن را از وطن طرد و خارج خواهد نمود.

اشرف سیدال اسلام خان پس از شکستهای متوالی «ری» و سر درهٔ خوار» و «مههان دوست» و همچنین مغلوبیت بزرگی که در حدو د رود (نجن) نصیب افاغنه شده بود از فتوحات پی در پی مادر و قشونش بوحشت و اضطراب فوق العاده دچار کردیدند. بنا بر این و ضعیت جبهه و روحیهٔ فرماندهان برای فتح وظفر ابداً مساعد نبوده ، فقط اجبار و اضطرار بود که آنها را و ادار به دفاع می نمود.

در موقع شروع نبرد اشرف مجدداً فرماندهی کل را احراز و کلیهٔ حرکات جنگی راشخصاً ااداره مینمود. ولی فکراً آسوده نبوده ازفتوحات ایرانیان بیمناك واز امور آتیه مأیوس و ناامید بود ایممین دلیل هم است که درنقشهٔ نبرد خبطهای بزرگی رام نکب میشد و خنانچه مرکز آرایش جنگی خود را قوی ولی جناحین آن را ضعیف گذارد. خط جنگی او تقریباً مرکب از ۲۲/۰۰۰ نفر بود که بعمق دوصف کم فاصله قرار گرفته بودند. جناح راست اشرف ضعیف و جناح چپ نسبتاً توی بود. ولی بطور کلی نه آرایش جنگی مطابق استعداد قوا و وضعیت اراضی بود و نه احکام جنگی مناسب حال افراد.

#### **☆☆☆**

همین روزبعد ازظهر نائره محاربه مجدداً شعله ورکر دید. حاجی بیك ماعدهٔ سوار بجناح شرقی د شمن روآورده بسهولت عده آنجا را منهدم و مواضع دشمن را متصرف گردید ــ (۳۰) چون نادر وضعیت را ازبهترین نقطه میدان محاربه تماشا میکرد و فوراً کارد مخصوص خودراً برای تحکیم مواضع

<sup>(</sup>۳۰) ـ « از دماغهٔ کوه متوجهٔ جانب اصفهان شده ، شاید افاغنه از پشت دره رو بمعرکه رزم آورند ، بعد از آنکه موکب نصرتوجلال مقارن آ نکوه فلک شکوه کردید، اشرف چون در جنگ مهمان دوست به اعتقاد خود از سیه آرائی آنحضرت کارآموز واز طریقه جنگ خدیو جهان تجربه اندوز شده بود ایندفعه درمقابل معاوضهٔ بشل درآمده ... » ـ از کتاب جهانکشای نادری صفحه ۲۱ ـ ـ از کتاب جهانکشای نادری صفحه ۲۱ ـ

متصرفه به آن جناح اعزام نمود. کلیه سوار نظام ایران از پشت سر جبه هدشمن خود را بعقب عده سوار و پیاده نظام جناح شرقی رسانیدند. قوای جناح راست متفقین که باین ترتیب از جلو وعقب سر خودرا مورد حمله شدید دیده اند ٔ بلاتأمل تغییر موضع داده یك جبهه منكسری تشکیل و مجدداً بدفاع پرداختند. فرماندهٔ سوار ایران به این موفقیت کوچك ا کتفا نکرده تقریباً نصف سوار قسمت سبك اسلحه که نماماً با اسلحه سرد مجهز بودند از پشت سر به عمده قوای اشرف که با اسلحه ناریه مجهز و از مرکز بطرف قوای عمدهٔ ایرانیان حمله کرده بود ، هجوم آورشد. در همان زمان نادر باگ رد مخصوص خود به هر دو پهلوی آ رایش ضخیم افاغنه شروع بفشار نمود . با این تعرض مقابلی قوای عمدهٔ خصم نسبتاً در هم شکسته و فشار آن از جبههٔ مرکزی ایرانیان دفع کر دید .

کلیهٔ صفوف متفقین برای اینکه از هم متلاشی نشوند مجبور بودند نه تنها از پیش روی بر ضد جناح شرقی خود داری تکنند ، بلکه بهمه طرف تغییر جبهه داده و با دشمن مقابله مایند . مدتی محاربه بدین منوال طول کشید و بتدریج عملیات احاطه ای ایرانیان صورت میگرفته در مقابل احاطه و هجوم ایرانیان قوای متفقین نیز مجبوراً بتهاجم متقابله مبادرت ورزیدند. در اتنای کیرودار که کلیه محاربین با آخرین قوهٔ خودمیجنگیدند ، سیدال با فوج عظیمی از پشت سر قرارگ مکل و جمعی از افاغنه هم از سمت دیگر مجانب نادر حمله ور کشته آتش جنك خونین بر افروختند .

موقعیکه مقاتله شدیدی در تبهٔ قرارگاه دوام داشت؛ حاجی بیك عده ایر! به کمك گارد و فرستاده و کلیه مدافعین افاغنه را از هم سمت محاصره و پس از زدو خورد زیاد کلیه آنها بقتل رسیدند و لی قوای مرکزی و غربی افاغنه قبل از اینکه محصور بشوند شروع بعقب نشینی نموده و اشرف نیز با قرارگاه خود بعد از مشاهدهٔ و ضعیت اسفناك میدان نبرد کار خود را تباه وروز دولت موقی خود را سیاه دیده جمیع تو پخانه و اثانیه سلطنت را گذاشته راه اصفهان را در پیش گرفت.

آ نروز نا حوالی عصر آنش جنگ در اطراف نیه های مورچه خورت اشتعال داشت اسرای بسیاری ازافاغنه و عثمانی بدست آمد و آنچه از عثمانی ها کرفتار ایرانیان شده بودند همه رام خص مورد نوازش ساخته به اوطان خود عودت دادند. قبل از غروب آفتاب سکوت همه جا را فرا کرفت و قشون از پای در آمده براحت باش بزرك پرداخت. تعاقب از میان رفت دستجات سوار با

دادن خايعات فوقالعاده در روي جاده اصفهان اردوك هي تأسيس نمود .

پیشروی بطرف اصفهان : روزبعد نبرد مورچه خورت کلیهٔ
 قشون ایران بطرف اصفهان حرکت نمود.

نادر از جاده شرقی که مستقیم تر بود کلیهٔ سوار نظام را به معیت حاجی بیك اعزام داشت. قوا عمده از جاده معمولی اصفهان با یك ستون بسیار طولانی حرکت کرد. در این موقع افاغنه اصفهان را غارت وعده ای را قتل عام کرده بطرف شهر (شیراز) عقب مینشستند.

• توقف در اصفهان متوقف کرد. زیراکه قوای متفقین ازهمدیگر جداکشته کردد. زیراکه قوای متفقین ازهمدیگر جداکشته وهریکی منطقه جنگی علیحدهٔ تشکیل داده با یك وضعیت غیر معلوم یسکی در خط [ زنجان سهمدان \_ ملابر ] دیکری در حدود (آباده) استقرار داشت. بنا بر این نادر مجبور بود در نقاط ذیل قشونی تمرکز دهد که در آتیه از عملیات خودخاطر جمع باشد:

- ١ \_ قشون عمده در اصفهان .
- ۲ \_ دستجات اغورلو خان در آوه میاند
  - ۳ \_ تیپ حاجی بیك در عراق
- ٤ ـ فوج حسين قلي خان در خوانسار .

ولی نادر بیشتر طالب صلح با عثمانیها بود ، چه درصورت استفرار مناسبات حسنه فی ماین در دولتین دیگر مانع برای اخراج کلی افاغنه در بین باقی نمی ماند. لهذا معظم له پس از تصرف اصفهان و بر قراری سلطنت ماینده مخصوص به کرمانشاه اعزام و با باشایان عثمانی برای عقد صلح و تخلیه نواحی غربی ایران داخل مذاکره شد. دراین مذاکره نادرول مهمی را انجام دادو اتحاد افاغنه و عثمانی را بکلی بهم زد و بدین ترتیب اشرف در منطقهٔ فارس تنها ماند.

خلاصه ؛ نادر با این تعرض سوم وضعیت سیاسی ایران را بحالت اولیه ارجاع بایتخت معظم را محدداً احیا و مرکز عملیات آتیه قرار داد.

حقیقهٔ سلسله فتوحات درخشان نادر در هر سه نعرض با نصرف قسلاع و نواحی هرات و

امحاى قواى افاغنه شال شرق شروع ميشود.

در واقع تصرف آن مناطق و کلیهٔ عملیات جبههٔ شرق یکی از عملیات متهورانه وفدا کارانه است ، همچنین تعرض دوم درجبهه غرب وغلبه کردن درمحار بات ( مه روشن ) و مهماندوست و میرود . رؤسای و بالاخره تصرف و تسخیر شهر طهران در ردیف بزرگیزین عملیات حربی بشهار میرود . رؤسای واحد های بزرك و سر دسته ها و نظامیان و مجاهدین داوطلبی که در تهاجیات جبهات شرق و غرب و جنوب شرکت داشتند بزرگیزین نجربه واختیار در آمدند . وجنگهای بعد را نیز از روی این نجربیات تعقیب و نتیجه خوبی بدست آوردند دخول به نبرد با داشتن قوای مکنی بکی از امور جنگی آسانی بوده و چندان محل خطر و خوف نیست ولی نادر در مرحله اول جنگ از حیث کمی قشون و وسایل جنگی و امور مملکتی نسبت بقوای خصم در فشار و دچار مخطورات کو ناگون بود ، علیهذا معظم له خود را بمقتضای وظیفهٔ وجدانی و ملی مکلف دیسد مخورات کو ناگون بود ، علیهذا معظم له خود در ابمقتضای وظیفهٔ وجدانی و ملی مکلف دیسد که ؛ فقط بر وفق ابتکار و ارادهٔ شخصی و طبیعی خود عمل نموده و مام تشبثاتی را که برای نیل مفتح کار بران هرگز آن تشبثات وطن و ملت پرستانهٔ ویرافراموش نخواهدنمود. مهمهی را احراز نمود که ایران هرگز آن تشبثات وطن و ملت پرستانهٔ ویرافراموش نخواهدنمود.



# فصل ششم (۴۱) تعرض چهارم

## وضعيت عموهي

فتح شهر اصفهان و بر هم زدن سلطنت افاغنه در ایران اوج ترقی قدرت نادر قلی افشار محسوب و در مدت یکسال ( ۱۱٤۱ تا ۱۱۶۲) صاحب ایران شهالی و مرکزی گردیده و بدین وسیله ملت نجیب و مظلوم ایران را از مظالم و تعدی دشمن خارجی خلاص داد. ولی قدرت و عظمت نادر بیشتر در ادارهٔ لشگری بود ادارات کشوری در نتیجه استیلای افاغنه بکلی خراب و هیچ اصولی در مملکت وجود نداشت. بنا بر این تنظیم قشون و تزیید قوا و همچنین قشون کشی به اشکالات کوناگون بر خورده ' نگ هداری مهالك مسخره فقط با زور امكان داشت. معظم الیه برای امورات داخلی مملکت مجبور بود که یك قسمت از صاحبمنصبان لایق خود را در نقاط نظامی نگ هداشته امنیت و احتیاجات قشونی را بتوسط آنان فراهم ماید.

در مدت چهل روز توقف در شهر اصفهان (که برای تجمع و تمرکز قوا یك زمان خوبی بود) وقت بر قیمت نادر قلی برای اینگونا امورمصرف کردید اکر درامورات داخلی متصدی دیگری. و جودداشته بود قطعاً اشرف در حدود جنوب غربی اصفهان دستگیر و امحامیشد و غائله نیز یکسال زود ترخاتمه پیدا میکرد، ولی چنانچه در فصول قبل ذکر کردید، سه تعرض سریع و وضعیت سیاسی معظم البه اهمیت زمان را بطور حتم میدانست ولی دیگر با وضعیت فوق الذکر چارهٔ دیگر نداشت.

اکر چه عملیات تعرض سوم تعداد زیادی از قشون نادر را از میان برد ولی باز معظم الیه دارای عدهٔ بسیاری بود. زیرا مام ولایات مفتوحه و غیر مفتوحه با او کمك مینمودند.

بعد از تعرض سوم قوای اشرف بیش از بیش ضعیف و پریشان و مستأصل شده و محلی نیز برای اخذ وجلب نفرات باقی نمانده بود. ولی همین افاغنهایکه هفتسال قبل به ابران آ مدهبودند

<sup>(</sup>۳۱) \_ مأخذ این فصل از کتابهای ذیل: تاریخ افغانستان ، تاریخ ملل آسیاکتاب تاورینه ، جهانکشای نادری • روضة الصفا ، مسیر جهانگیری میباشد .

اصل کادراردورا تشکیل و باپرداختاجرت از بعضی طوائف افراد جدید گرفته میشد. چون جنگ فی مابین ایرانیان و افاغنه یك جنك ملی و مده چی بود لهذا کلیه افراد قشون اشرف این نکته را کاملاً میدانستند بدینجهت همیشه از اوام مافوق خودشان اطاعت صرف نموده بعد از انهزام و عقب نشینی معمولی بحدد در اطراف فرماندهان خود گرد آ مده مطیع حرف آ نها میگردیدند بهمین دلیل پس از رجعت از میدان نبرد « مورچه خورت » کلیه افاغنه مقیم ایران بطرف جنوب غربی رجعت ، فرار ، و مهاجرت نموده در پنج فرسنگی شمال شهر « شیراز » بر طبق ام اکید اشرف مجتمع و جبهه مهمی را در مقابل فشون ایران احداث و تأسیس نمودند.

اینقوا تقریباً بالغیر ۰۰۰ و نفر می شد که هنوز از با در نیامده و مستعد ایر از شجاعت و رشادت کافی بود. اما از نقطهٔ نظر تو پخانه اشرف بز حمت افتاد ، چهٔ کلیه توپهای او در جنگهای قبل بدست ایرانیان افتاده و چیزی مقی مانده و ب

خلاصه آخرین قوائی که اشرف در «زرقان» تمرکز داد عدهٔ بود که از بقیة السیوف تشکیل یافته و از کلیه پیش آمدهای مساعد کامین بودند. (۳۲)

ا حر گت بظر ف شیر از : روز ۳ جادی الاخر ۱ ۱ در وسط زمستان سخت اردوی فادر از اصفهان حرکت نمود بواسطه توفف طولانی دراصفهان تاسین طرفین متخاصمین تقریباً قطع شده بود (۳۳) چون فادر غالباً نقشه عملیاتی و حرکات جنگی خودرا بمرور و بر طبق وضعیت خصم و پیش بینی صورت بندیهای آن تهیه مینمود ، لهذاموقع حرکت قوا از اصفهان نقشه معینی درکار نبود . کلیهٔ قوا در روی بك جاده و مجالت یك ستون حرکت میکردند . تدارك سوخت بزرگترین اشکال را فراهم میآورد و چون بنه ها در عقب ستون حرکت میکردند ، لهذا قسمت های مقدم

<sup>(</sup>۳۲) \_ اشرف باافاغنه ضرب دست دلیران رزم کوش را فراموش کرده درشهر شیراز مکث و مشغول استعداد وجمعت اعراب هوله وسمقانی و باقی عشایر سمت فارس و بنادراست ....

ـ ازجهان گشای نادری صفحه ا ۲۹ سطر ۱۶ـ

ستون بیش از سایر قسمتها در زحمت بودند . کر چه در آن قرن طریقهٔ اساسی راه پیهائیها از روی اصول ستون بندی بود، ولی فصل زمستان و اوضاع طبیعی اراضی بین راه بیش از ایر را اجازه نمیداد .

تأمین ستون عمده در روی خط حرکت بواسطه سرمای فوقالعاده و دوربودن قوای خصم کاملاً احرا نمیشد.

دیگر مثل سابقراه پیهائی شبانه در کار نبود. ستون عمده روزی شش الی هفت فرسنك بیشترراه نمی پیمود. برای حرکت تو پخانه همیشه یك عده عمله ازاهالی محل با ستون حرکت نموده و راه شیراز \_ اصفهان را که در دوره شاه عباس بزرك ساخته شده بود تعمیر میکردند.

روز \_ ۷ ماه چون اوضاع جوی تغییر یافت لهذا قوا بر سه ستون تقسیم گشته یك ستون از راه ابرقو و مشهدمادر سلیهان ٔ ستون دیگر در روی جاده معمولی (آ باده) و ستون سوم از بیراهه بطرف شیراز حرکت نمود .

چون روز \_ ۰ ۱ ماه قوای خصم را در ( زرقان ) کشف کر دند لهذا اردو با هرمهستون بطرف جلکه زرقان سراز بر وبعداز ظهر سواران طرفین در وسط آن جلکه تلاقی نموده وشروع بزد و خورد کردند. (۳٤)

۲ \_ محاربه زرقان : قوای اشرف که قبلاً دراین نقطه تمرکز بافته بود برای تعرض بطرف اصفهان در تدارك بودند ، ولی چون قوای

ایران قبل از حرک آنها و اردحدود اردوگاه آنهاشد و سواران طرفین نیز داخل منازعه گردیدند لهذا اشرف تصمیم اولیه خود را در آن جلکه اجباراً بدوقع عمسل گذاشته و حکم تعرض را بکلیهٔ قسمتهای اردوی خود صادر میماید.

آن روز بعد از ظهر قوای اشرف بدون انخاذ آرایش مختصی بطرف ستونهای قشون نادر که هنوز بحالت صف حرب در نیامده بودند با استعداد تمام تعرض میکنند. قشون نادر بمقابله پرداخت و از طرفین تسویهٔ صفوف و ترتیب اصحاف سیوف گشته اول قوای اشرف بطرف صف مقدم ایرانیان حملهور شده خیره کی را از منزل اعتذار گذرانیده به پباده نظام مقدم مقارن شدند

<sup>(</sup>۳٤) ـ اشرف باز تجدید جمعیت و احتشام کرده برای مقابله حاضر شد . ـ ازکتاب جهانگشای نادری صفحه ۷۰ ـ

ولی تفنگچیان چابکدست مادر روبز انوقر از گرفته بشدت تیراندازی میکنند وشمشیر چیهان جناحین نیز هم دو طرف جبهه را از حملات مؤرب و مستقیم افاغنه را طرد نموده و تو پچیان هم پشت سر صفوف دشمن را مورد شلیك قرار میدهند، در خلال این زمان سوار نظام مادر از اراضی كوهستان شهال وارد میدان نبرد کشته با سواران افاغنه داخل منازعه میشوند و طولی نمیکشید آنها را بطرف قرارگ ه اشرف میرانند و نزدیك جناح راست جبهه پیادر نظام شده و بالاخره تأسیس ارتباط نموده بحالت پیاده داخل جنگ میکردند باوجود بادندگی شدید ین قسمت ازافر ادنظامیان نیز از پشت سر وارد میدان نبرد گشته، بدین رتیب از حملات افاغنه که در واقع برای آنها یا فرصت خوبی بود، کاملاً جلوگیری میشود.

نوبت دیگر افاغنه بطرف میمنه جبهه ایرانیان هجوم آور شدند و بانداختن زنبورك و تیر نفنَك و شلیك توپ محاربه مجدداً شدت یافت .

قشون ایران صفوف حمله افاغنه را در حال توقف عقب راند و خود نادر بایك فوج ازیشت مر مرکز جبهه به امداد قسمتهای میمنه رفت و در خلال این اوقات نیز سیدال وخود اشرف در آن جناح حاضر و افراد خودشانرا تشجیع و تشویق مینمودند.

وارد شدن یك فوج با فرمانده متهور وضعیت جناح مزبور را آناً تغییر و از حملات شدید افاغنه کاملاً جلوگیری شد ، سیدال عجله داشت که مجدداً حمله ماید ولی در اینموقع در جناح میسره حملات سواران ایران بدون انتظار شروع گشت و افاغنه از آن سمت محاصره شدند.

سیدال در مکان خود هجوم را تجدید کرد ، ولی اشرف در عوس آنکه تلاش کلی خود را متوجه جناح راست ایرانیان نماید ، خواست بمرکز آنها تعرض کرده جبهه را بشکافد . ولی سواران جسور نادر پس از آنکه پیاده گان اشرف را در جناح شمانی عقب راندند ، به عملیات احاطه ای خود ادامه داده کاملاً پشت سر قوای افاغنه را مورد تهدید قرار میدهند ، در اینموقع سایر قسمتهای ایرانیان نیز آخرین حملات اشرف وسیدال را دفع و شروع بتعرص متقابله مینایند .

نزدیك غروب بودكه شكست درجبهه افاغنه ظاهر شده قشون آنها به طرف شیرازراه فرار پیش میگیرد و فقط چند قسمت ضعیف تشكیل جبهه مربع داده با نظم و رتیب جنگی خودشان منظماً عقب مینشیند.

وقتیکه علائم فرار و رجعت در روی جبهه افاغنه ظاهرگردید روحیهٔ افراد قشون نادر

معناً تقویت شده و تهاجم شدید شروع کشت. جمعی ازافاغنه رابه هال هالال انداختند. اشرف نیز با کاردخود بجانب شیراز رایت فرار افراخته وافواج سوار ابرانیان بادوفرسنکی شهر بتعاقب ایشان پرداخته وغنایم و اسرای زیادی بدست آ وردند. بعلت باریکی شب ادامه تعاقب به فردا محول کردید و به این علت فراریهای افاغنه مقداری پیشروی نمودند.

موقع ظهر « سیدال » برسم استیهان از جانب «اشزف» وارد زرقان و حضور فرماندهٔ کل قواشرفیاب گذته شرائط تسلیم را از معظم له استیزان نمود ، پس از مذاکرات شرائط تسلیم که بقرار ذیل بود معلوم و مقرر شد :

تسلیم کلیهٔ اسرای خاقان مغفور را با اسرای آنرانی که همراه دارند و خلع اساحه و ترخیص فوا و تسلیم صاحبمنصبان افاغنه . چون شرائط فوق را افاغنه نمیتوانستند قبول بابندلهذا روز ۱۲ ماه شیراز را تخلیه نموده بطرف جنوب شرقی فرار کردند و نادر همان روز تیپ سوار نظام را مأمور تعاقب آنها نمود و خود نیز باکلیه قشون خود از زرقان مستقیماً بطرف شیراز رهسپار گردید ، نیپ سوار پس از آنکه اطلاع حاصل نمود کهافاغنه شهر را تخلیه نموده بطرف جنوب شرقی رجعت میکنند ، فورا تغییر سمت داده بطرف پل (فسا) حرکت و موقع ظهر با قشون بقیمة السیوف اشرف که مشغول عقب نشینی و خود را برای عبور از پسل «فسا » حاضر مینمودند تلاقی کرد. تیپ مزبور بدون تامل بقشون اشرف تعرض نمود ولی چون افراد بکلی خسته و استعداد قوا نسبت به افاغنه خیلی کم بود لهذا فوراً خود را عقب کسید و فقظ بمزاحمت خایشی نادر نیز با فوجی رسیده فرمان تعرض را برای هر سه قسمت صادر نمود .

۳ - نبر د پلفسها: چون سه قسمت قشون نادر ۲ خسر د موای اشرف را در ۲ - نبر د پلفسها: محتفظین کوردادند کاعلاج اشرف وسیدال مستحفظین

خود را که قریب سه هزار نفر مسلح نظامی و دو هزار نفر عیرنظامی بودند ٔ تا حدیکه ممکن بود در ساحل غربی رودخانه و در قرب پل فسا مرتب کرده و آنها را به دو قسمت تقسیم و پسازانخانه وضعیت دفاعی شروع بمقاتله نمودند .

اشرف در جناح راست وسیدال در جناح چپ قرار کرفته بودند وهر دو صفوف خود را بعجله تشکیل داده و باین جهت هنوز دچار اختلال هرج و مرج و بی نظمی بودند ولی پیران و کودکان و کلیهٔ مهاجرین افاغنه را از پل گذرانده بودند. در خلال این اوقات هر سه متمون ایرانیان تشکیل صفحرب داده شروع بتهاجم نمودند. در حملهٔ اول افاغنه مغلوب و چون رودخانه بواسطه زمستان پر آب بود، لهذا مجدور بودند که از روی بل فرار کنند.اشرف اول و هله از رودخانه عبور وپیر محمد که معروف به شجاعت بود ، جمعی از سربازان وفدائیان افغان محافظت راه و ضبط سرپل را بیز بر ذمهٔ خود گرفته نظامیان را مجدداً بجنك مشغول ساخت که افاغنه با خاطر جمع از یل بگذرند. لیکن فشار حملات ایرانیان به آنها مهلت نمیداد و افاغنه در نتیجه ابنوضعیت دچار اختلال و بی نظمی گردیدند و ایرانیان نیز موقع را مغتنم شمرده با کلیهٔ عده موجوده بر ایشان حمله کردند در تنگنای راه پل عدهٔ زیادی ازافاغنه را با شمشیر های خود مقتل رسانیدند بالاخره افاغنه در مقابل حملات ایرانمان مقاومت نکرده با بکریز نهادند. آفتاب قریب یك ساعت بود كه غروب كرده ظلمت شب همه جا را فرا كرفته باران شدید نیزمی،ارید. افاغفه از بیم جان متهاجم و جمعی از غلبهٔ خوف در آب غرق کشته مناع هستی را به باد دادهدو سه هزار اطفال خوره سال و شیرخوار و زبان در این ظلمت ، در توی سیل و در زیر پای محاربین ناله و فغان میکشیدند. قتال قریب نیم ساعت در سر یل فسا دوام داشت و بالاخره قسمتی رجعت نموده و مقتولین در زمین رطوبت ساکٹ ومجروحین از فرط آ ، و ناله خسته شد. وسکوت غریبی همه جا را فسرا کرفت . جز صدای پای اسبان و شیهه آنان چین دیگر شنیده نمیشد . قریب دويست نفرافاغنه ودونفر سرداران ايشان بتصورآنكه ايرانيان مشغول تعاقب آنها هستند. بدون لمحة توقف رو بكريز نهاده وبراى آنكه زودتر ازحدود ميدان نبرد جان بدر برند با فرياد و مازياته اسبهای خود را میراندند و از فرط اضطراب و تسلاش و تشویش کلیه مال و اسلحه خویش را بزمین میافکندند زیرا جرئت وجسارت صف آرائی و مقابله با ایرانیان را نداشتند و تمامامیدشان بقوت بای اسبانشان بود.

آن شب نادر ' پس از ختم محاربه بمیدان معرکه رسیده و یك فوج هزار نفری را مأمور . تعاقب اشرف و سیدال نمود .

قواي عمد ددر زير باران زياد اردوگاه بزركي ترنيب و شب را در آنجا كذراند.

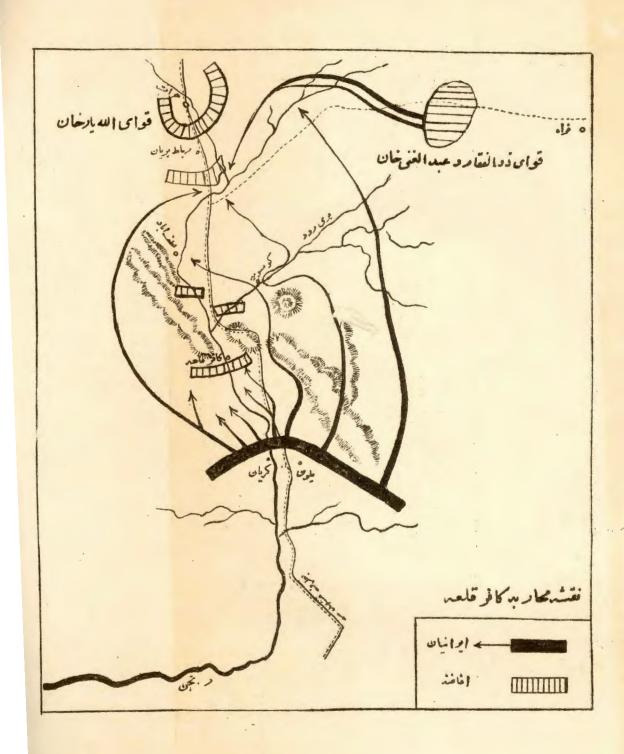
روز بعد \_ <u>۱۳ ماه</u> اردو بطرف شیراز حرکت نموده با شوکت وجلال وافتخار وارد شهر شد و برای تقویت فوج سواری که مأمور تعقیب شخص اشرف بود یکسد نفر سوار جدید اعزام و به حاکم اصفهان و بزد کرمان سیستان احکام اکید صادرشد که هر یکی از آنها یك بهادران سوار از محل تشکیل و برای تعقیب اشرف بطرف لار و بلوچستان اعزام دارند.

محاربه و فسا ، با قتل آخرین سرباز اشرف خاتمه یافت و خود او در کوههای لار با صد نفر سوار سرگردان ماند. این واقعه از هر مصیبت و بلای دیگری که ابقاً بر افاغنه وارد آمده بود و سخت تر وهولنا کتر بود. زیرا کلیه سربازان وصاحبمنصبان آنها بهلاکت رسیدند وعده زیاد دیکری نیز اسیرشدند و در نتیجه تعاقب جدی اشرف از ایران خارج و در بلوچستان شرقی در محل (زردکوه) در سمت مفلای (شورابك) بقتل رسید. موقعیکه نادر قلی در جبهه غرب با عمانیه امشغول محاربه بود و افاغنه در مشرق ایران مجدداً آشوبی بر یا نمودند ولی بزودی اغتشاشات آنها خاموش و کلیه اقدامات استقلال طلبانهٔ آنها بلانتیجه ماند.

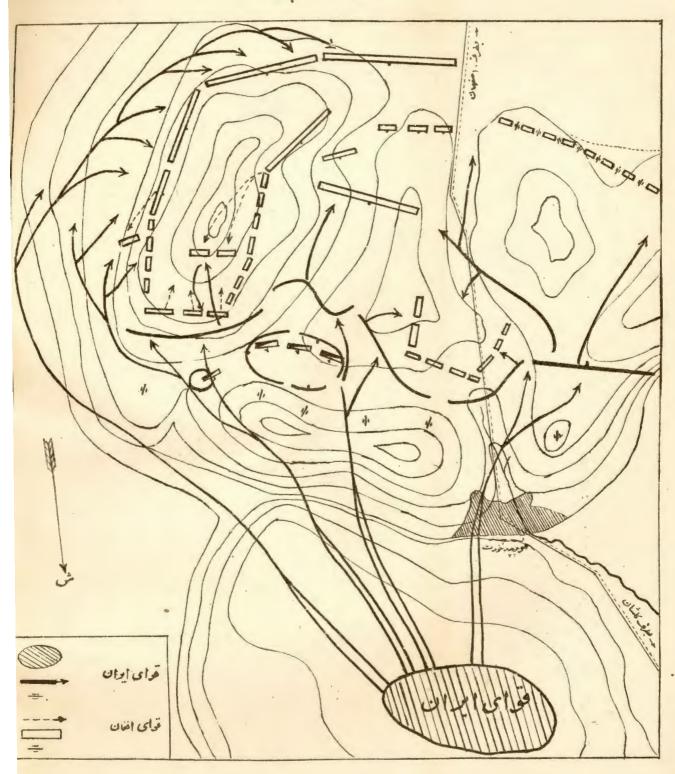
فتیجم و تعرض چهارم نادر به غائله افاغنه در ایران خاتمه داد . گذشته از اینکه دست افاغنه را مطور دائم از ایران کو ناه کرد ، یك و لایت بزرك از اسل افغانستان (هرات و فراه) نیز جزو مستعمره ایران کردید . و چون مقصود نادر ، تسخیر کلیهٔ نواحی غربی ایران بود ، لهذا متحمل عملیات دو جبهه ای نشد ولی پس از ختم غائله عمانیها درغرب ، مجدداً به نواحی شرق انتقال قواداده قبلاً افغانستان غربی را کاملاً ضبط و بالاخره در موقع قشون کشی بطرف هندوستان کلیه مهالك افاغنه را فتح و جزو ایران نمود .

انتهى

جميل \_ قوزانلو



# نقش محاربه مؤرجه خارت



## مبک ایران \_ انعان مخارب مهنان دوست

